



تقدیم به:

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

و

شهدای غواص و شهدای مرزبان

و

همه ی امیدوارانِ ایران زمین

به امید خدا

مجموعه ای از احادیث، مثل ها، اشعار

و داستان های امید

رحمت پوریزدی

سرشناسه: پوربزدی، رحمت، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور: به امید خدا: مجموعه ای از احادیث، مثل ها، اشعار و داستان های امید / رحمت پوربزدی.
مشخصات نشر: قم: انتشارات قدس، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۹۱ص: ۱۴/۵×۲۱/۵س.م.

شابک: 978-600-379053-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۹۱]: همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: مجموعه ای از احادیث، مثل ها، اشعار و داستان های امید.

موضوع: امید -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع: Hope -- Religious aspects -- Islam

موضوع: امید -- جنبه های قرآنی
موضوع: Hope -- Quranic teaching

موضوع: امید-- احادیث

موضوع: Hope-- Hadiths

موضوع: ضرب المثل های فارسی

موضوع: Proverbs, Persian

موضوع: داستان های مذهبی -- مجموعه ها

موضوع: Religious fiction -- Collections

رده بندی کنگره: BP۲۵۰/۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۷۰۵۴۲



به امید خدا

- مولف / رحمت پوربزدی
- صفحه آرا / سید رضا حسینی
- طرح جلد / علی علی پور
- قطع / رقعی / ۹۱ صفحه
- نوبت چاپ / اول پاییز ۱۳۹۹
- چاپ / کمال الملک
- شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه
- ناشر / انتشارات قدس
- قم / خیابان شهدا / کوچه ممتاز / شماره ۶۹ / تلفکس ۰۵۳-۳۷۷۴۴۰-۲۵

کلیه حقوق محفوظ می باشد

- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۹۰۵۳-۷
- قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱.....	دبیاچه
۱۳.....	احادیث امیدواری
۱۵.....	نا امیدی و کفر
۱۶.....	اگر امید نبود
۱۷.....	امیدوار جوینده است
۱۷.....	امید همراه با عمل
۱۸.....	تعجب می کنم
۱۸.....	به اندازه گمان
۱۹.....	امید فقط به خدا
۱۹.....	امید به عمل گره خورده
۲۱.....	به مردم امید نبند
۲۱.....	ناامید از مردم
۲۲.....	هر خیری

- ۲۳..... ناامید برگشتن.....
- ۲۴..... خدا نزد خُوش بین هاست.....
- ۲۵..... رحمت خدا.....
- ۲۵..... بزرگ‌ترین بلاء.....
- ۲۶..... خواهید رسید.....
- ۲۶..... هر لحظه ممکن است.....
- ۲۷..... ناامید مکن.....
- ۲۷..... مگر خدایت.....
- ۲۸..... دانشمند کیست؟.....
- ۲۸..... سردتر از زمهریر.....
- ۲۹..... به اندازه نیت.....
- ۳۰..... ناامیدی و تنبلی.....
- ۳۰..... قاتل خاموش.....
- ۳۱..... ناامید و شکست.....

مَثَل‌های امید ۳۳

- ۳۵..... اگر را کاشتند، سبز نشد.....
- ۳۵..... آدم به امید زنده است.....
- ۳۶..... به اشتهایی مردم نمی‌شود نان خورد.....
- ۳۶..... پیله کردن.....
- ۳۶..... تا آهن گرم است باید کوفت.....
- ۳۷..... جهان را به امید خورده‌اند.....
- ۳۷..... حمام بی عرق نمی‌شود.....
- ۳۷..... حیف بابام بود که مُرد.....

- ۳۸.....خم به ابرو نیاوردن.....
- ۳۸.....خوش آن دل که کاندرا آن نور امید است.....
- ۳۸.....الخیر فی ما وَقَعَ.....
- ۳۹.....ان شالله گربه است.....
- ۳۹.....این نیز بگذرد.....
- ۴۰.....با توکل زانوی اشتر ببند.....
- ۴۰.....بازش کنی دشته، جمعش کنی مُشته.....
- ۴۰.....باید دید قلم‌زن چه قلم‌زده است.....
- ۴۱.....دست شکسته به کار می‌رود، دل شکسته به کار نمی‌رود.....
- ۴۱.....بسا مراد که در ضمن نامرادی‌هاست.....
- ۴۲.....بکار تا درو کنی!.....
- ۴۲.....به هر چمن که رسیدی، گلی را بچین و برو.....
- ۴۳.....پرسید از بد بالاتر چیه؟ جواب داد: بدتر!.....
- ۴۳.....تا ریشه در آب است، امید ثمری هست.....
- ۴۴.....تا هیزم به جاست، آتش نمی‌میرد.....
- ۴۴.....جای شکرش باقی است!.....
- ۴۴.....حال که ماست نشد، شیر بده.....
- ۴۵.....خدا بخواهد از نر هم می‌دهد.....
- ۴۶.....خط ننویسد قلم بی شکاف.....
- ۴۶.....در اگر بسته شود، رخنه دیواری هست.....
- ۴۷.....در باغ جهان، یک گُل بی‌خار نباشد.....
- ۴۷.....در پس هر گریه، آخر خنده‌ای است.....
- ۴۷.....دست برسر زدن از هر مگسی برمی‌آید.....
- ۴۸.....دیر و زود دارد؛ اما سوخت و سوز ندارد.....

- ذره ذره پشم قالی می شود. ۴۸
- داری طَرَب کن نداری طلب کن. ۴۸
- دستت را بگیر به زانویت و بگو «یا علی»! ۴۹
- دنیا به امید برپاست. ۴۹
- دنیا را هر طور ی بگیر ی می گذرد. ۴۹
- دنیا که آخر نرسیده است. ۴۹
- راه همیشه سر بالا نیست، سر پایینی هم دارد! ۵۰
- عاقبت، جوینده، یابنده بُود. ۵۰
- عَم آن درد که درمان نپذیرد، چه خوری؟ ۵۰
- فردا هم روز خداست! ۵۰
- روزی می آید اما روزی (رزق و روزی) نمی آید. ۵۱
- زندگی به امید بسته. ۵۱
- شب سمور گذشت و لَب تنور گذشت. ۵۱
- شتر دیدی، ندیدی! ۵۲
- شتری که علف می خواهد، گردن دراز می کند. ۵۲
- عسل در باغ هست و عُوره هم هست. ۵۳
- قطره قطره، جمع گردد وانگهی دریا شود. ۵۳
- مثل قالی کرمان است؛ هر چه پا بخورد، بهتر می شود. ۵۳
- عاقبت این شب تاریک سحر خواهد شد. ۵۴
- غیر از مُردن هر کاری چاره دارد. ۵۴
- غیر ممکن، غیر ممکن است! ۵۴
- قاشق نداری آش بخوری، نانت را کج بیل کن. ۵۴
- کار نَشُد، ندارد! ۵۵
- آقای خودمَم، نوکر خودم! ۵۵

- آن‌هایی که دویدند و آن‌هایی که چریدند، هر دو با هم رسیدند..... ۵۶
- آینه هر چه دید، فراموش کند..... ۵۶
- گذشته‌ها گذشته..... ۵۷
- گوسفند شش ماه چاق است شش ماه لاغر..... ۵۷
- ماه همیشه زیر ابر نمی‌ماند..... ۵۷
- ناامیدی کار شیطان است..... ۵۷
- نه هر که رفت رسید، نه هر که کشت درود..... ۵۸
- هر چه پیش آید خوش آید..... ۵۸
- همیشه آسمان آبی نیست..... ۵۸
- و گر زمانه نسازد، تو با زمانه بساز!..... ۵۹
- هیچ دودی بی آتش نیست!..... ۵۹
- یک سال بخور نان و تره، هرسال بخور نان و برّه..... ۵۹
- یا رب مکن امید کسی را تو ناامید..... ۶۰

۶۱..... شعرهای امید

۷۱..... داستان‌های امید

- اعتماد ابراهیم علیه السلام به خدا..... ۷۳
- چه کسی تو را نجات داد..... ۷۴
- امید چاق است؟..... ۷۵
- عابدترین مرد زمین..... ۷۶
- از این ستون به آن ستون فرج است..... ۷۶
- کس نخازد پشت من، جز ناخن انگشت من..... ۷۷
- سیبی را که به هوا بیندازی تا برگردد، هزار چرخ می‌خورد..... ۷۸
- اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد..... ۷۹

- ۸۰ نیمه‌ی اول عمر
- ۸۱ بهترین جایگزین
- ۸۲ امید حتی از اعماق جهنم
- ۸۳ امیدوار به آنچه امیدی نیست
- ۸۴ امیدت برآورده شد
- ۸۴ خوش‌گمانی به خدا
- ۸۵ امید و نشاط کار
- ۸۶ امید دروغین
- ۸۶ وسوسه ناامیدی دام شیطان
- ۸۷ خیر است ان شالله!
- ۸۹ کتاب‌های که در زندان نوشته شد (حبسیه)
- ۹۱ کتاب‌نامه

دیباچه

رودخانه به امید دریا، درمان به امید سلامتی، کار به امید دستمزد، عبادت به امید پاداش، هدیه به امید دوستی، فکر به امید نتیجه، خواندن به امید فهمیدن، ورزش به امید تندرستی...همه‌ی این‌ها زندگانی آدمی است که با امید جریان دارد.

نوشته‌ی پیش روی شما گلبرگی از احادیث، مثل‌ها، شعرها و داستان‌های کوتاه درباره امید است. هرچند کوچک است اما به قول معروف «اگر آب نمی‌آورد، کوزه هم نمی‌شکند، و یا اگر آشت ندهند، کاسه‌ات را هم نمی‌شکنند». به هر حال تمام سعی بر این بوده که نور و نعمت امید را در خوانندگان گرمی روشن و بیدار کنیم؛ و امیدواریم دل‌های ما دریایی‌تر و امیدوارتر گردد. و از خوانندگان هوشیار و هشیار و امیدوار خواستارم که کاستی‌ها را بر بنده ببخشایند و مرا از نقدها و پیشنهادهای سازنده محروم نفرمایند.

دل گرم و امیدوار باشید

ryazdi1395@gmail.com

الحمد لله رب العالمین

مهر/۱۳۹۹

احادیث امیدواری

نا امیدی و کفر

قرآن کریم:

وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛

از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس

می‌شوند.^۱

کسانی از دریای رحمت و مهربانی خدا نا امید می‌شوند که قدرت و لطف بی‌پایان الهی را باور نکرده‌اند؛ و خدا را قادر و توانا در انجام کاری نمی‌دانند و این دسته افراد به خداوند بدگمان هستند و لطف خدا را کوچک می‌شمارند. در حالی که خداوند خالق بشر، زمین، زمان و ... است و هر لحظه که اراده کند عرش را به فرش و فرش را به عرش می‌رساند به قول مثل معروف «اگر خدا بخواهد از نر هم می‌دهد». برای خدای دانا و حکیم هر کاری در هر زمانی و شرایطی

^۱. یوسف/۸۷.

ممکن است و اگر بخواهد می تواند تمام اسباب کاری را آن چنان کنار هم قرار دهد که تمام آفرینش انگشت به دهان بمانند و اساس آفرینش و تمام نیروی های جهان و آنچه در آن و اطراف آن است همگی در خدمت بشر هستند تنها کافی است رشته امید به آفریدگار را محکم نگه داریم تا از برکات و اثرات این نعمت الهی (امید) بهره ببریم. پس ناامید شدن از چنین خدایی سزاوار نیست؛ و تنها افراد کافر، از رحمت بی پایان خداوند ناامید می شوند.

اگر امید نبود

رسول خدا ﷺ:

الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرْسٌ غَارِسٌ شَجْرًا؛
امید برای پیروان من رحمت است و اگر امید نبود، هیچ مادری کودکش را شیر نمی داد و هیچ باغبانی نهالی نمی کاشت.^۱

تمام کارهای بنی بشر برای این است که امید دارد زنده بماند و زندگانی کند. می خورد و می نوشد به امید فعالیت و تندرستی؛ سعی و تلاش می کند به امید سعادت و آرامش بهتر؛ می خوابد به امید آسایش جسم و روحش؛ بیدار می شود به امید فعالیت و کارش؛ می گوید و می شنود به امید رسیدن به مطلوب و خواسته اش؛ حرکت می کند به امید برکت؛ عاشق می شود به امید همدم و همراز؛ می گذرد و می بخشد به امید اجر و پاداش...

۱. بحار الانوار، ۷۴، ص ۱۷۳.

امیدوار جوینده است

امام علی علیه السلام: كُلُّ رَاحٍ طَالِبٌ؛

هر امیدواری، جوینده است.^۱

جوینده یابنده است. به شرطی که امید به یافتن و پیروزی داشته باشد. نیاز جویندگی تلاش و همت است ولی آنچه آن را سهل و ساده می کند امید است. امید همچون همیار و همکاری است که همواره کمک کار جوینده بوده است و خواهد بود.

امید همراه با عمل

حضرت علی علیه السلام: در پاسخ به مردی که از ایشان درخواست پند و اندرزی

کرده بود، فرمود:

چنان کسی مباش که بدون عمل به آخرت، امید دارد و با آرزوهای دراز، توبه را به تأخیر می اندازد. در نکوهش دنیا چون پارسایان سخن می گوید، ولی رفتارش، رفتار دنیا خواهان است.^۲

امید تنها و بدون همت و تلاش همانند حساب بانکی بدون پول است. امید با عمل گره خورده است. همان طور که برای گره زدن نیاز به دو بند نخ داریم برای رسیدن به خواسته ها نیز نیاز به امید و عمل داریم. امکان ندارد شخصی بدون عمل به خواسته هایش برسد؛ و این عمل و رفتار او نیز باید مطابق با امیدش باشد.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲. لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ وَيَزْجِي التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ، يَقُولُ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِ الزَّاهِدِينَ، وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاغِبِينَ. نهج البلاغه، حکمت، ۱۵۰.

امید به خدا دارم و کار خدایی می‌کنم؛ امید به خیر و برکت دارم، کار نیک و شایسته می‌کنم... نمی‌شود امید به موفقیت داشته باشم ولی تنبلی و یا رفتاری را انجام دهم که مخالف با امید باشد. امید و عمل نکردن مانند آب و روغن است که قابل جمع نیستند.

تعجب می‌کنم

حضرت علی علیه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَ مَعَهُ الْأَسْتِغْفَارُ؛

تعجب می‌کنم از کسی که ناامید می‌شود و حال آنکه سرمایه‌ای مانند استغفار به همراه او است.^۱

حتی کسانی که گرفتار خطا و اشتباه می‌شوند پنجره امید به روی آن‌ها نیز باز است. خدای مهربان هیچ مشکلی را بدون راه حل قرار نداده است. تا زمانی که خدای مهربان و توانا حاکم و خالق است شایسته نیست از درگاه او ناامید شد.

به اندازه گمان

حضرت علی علیه السلام: حُسْنُ ظَنِّ الْعَبْدِ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَي قَدْرِ رَجَائِهِ لَهُ؛

حُسن ظن بنده به خداوند سبحان به مقدار امیدواری او است.^۲

شخص هر مقدار به خدای دانا و حکیم خوش بین باشد به همان اندازه پاداش دریافت می‌کند و به میزان خوش بینی‌اش به خداوند راه‌های موفقیت و سعادت برایش هموار و سهل می‌گردد.

^۱. نهج البلاغه، حکمت، ۸۴.

^۲. تصنیف عُرْوَةُ الْحَكَمِ وَ دُرَرُ الْكَلِمِ، ح ۳۹۶۷.

امید فقط به خدا

امیر مؤمنان علیه السلام: لَا تَرْجُ إِلَّا رَبَّكَ؛

جز به پروردگارت امید نداشته باش.^۱

تنها باید به کسی امید بست که آن کس « هشتش گرو نه اش » نباشد؛ و خودش سرچشمه تمام خوبی‌ها و نیکی‌ها و دارای همه دانش‌ها و قدرت‌ها باشد و چنین شخصی سزاوار نیست جز آفریننده من و تو پس شایسته است جز به او امید نبندیم.

امید به عمل گره خورده

امام علی علیه السلام: درباره کسی که مدّعی امیدوار بودن است. فرمود:

به گمان خود ادّعا دارد که به خدا امیدوار است! به خدای بزرگ سوگند که دروغ می‌گوید، چه می‌شود او را که امیدواری در کردارش پیدا نیست؟ پس هر کس به خدا امیدوار باشد باید، امید او در کردارش آشکار شود، هر امیدواری جز امید به خدای تعالی ناخالص است و هر ترسی جز ترس از خدا نادرست است. گروهی در کارهای بزرگ به خدا امید بسته و در کارهای کوچک به بندگان خدا روی می‌آورند، پس حق بنده را ادا می‌کنند و حق خدا را بر زمین می‌گذارند. چرا در حق خدای متعال کوتاهی می‌شود؟ و کمتر از حق بندگان رعایت می‌گردد؟ آیا می‌ترسی در امیدی که به خدا داری دروغ‌گو باشی؟ یا او را در خُور و شأن امید بستن نمی‌پنداری؟

۱. همان، ح ۱۳۳۸.

امیدوار دروغین اگر از بنده خدا ترسناک باشد، حق او را چنان رعایت کند که حق پروردگار خود را آن‌گونه رعایت نمی‌کند، پس ترس خود را از بندگان آماده و ترس از خداوند را وعده‌ای انجام نشدنی می‌شمارد و این‌گونه است کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد، که دنیا را بر خدا مقدم‌شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نپردازد و بنده دنیا گردد.^۱

کشاورزی و باغبانی که به گرفتن محصول از زمین و باغش امید دارد به آبیاری مرتب و دفع آفات و فراهم کردن تمام مقدمات و وسایل نمو و پرورش محصول می‌پردازد. اگر باغبان و کشاورزی ادعای چنین امیدی را کرد، ولی در خانه‌اش نشست و دست‌به‌کاری نزد، همه می‌دانند این‌یک امید کاذب است؛ خیال امید است، نه امید. امید به لطف پروردگار، هنگامی امید راستین است که همگام با اطاعت فرمان او و قدم گذاشتن در مسیر رضای او باشد.

خوف و رجا یعنی بیم از کیفر و امید به لطف و رحمت خدا، قوی‌ترین انگیزه حرکت به سوی تقوا و پاکیزگی‌هاست. هیچ‌کس بدون این دو نمی‌تواند در آسمان قُرب حق پرواز کند و به اوج قاف قرب او راه یابد. همان‌گونه که امید به نتایج لذت‌بخش پیروزی در امتحان و بیم از آثار سقوط و رفوزه شدن تمام نیروهای یک محصل و دانشجو را برای پیمودن مسیر علوم و دانش‌ها بسیج می‌کند، در پیمودن راه معنویت نیز بهره‌گیری از این بیم و امید ضروری است.^۲

۱. نهج البلاغه، خطبه، ۱۶۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۸. *يَدْعِي بِرَعْمِهِ أَنَّهُ يُرْجُو اللَّهُ كَذَبٌ وَالْعَظِيمُ مَا بِاللَّهِ لَا يَتَّبِعِينَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ فَكُلُّ مَنْ رَجَا عَرِفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ وَكُلُّ رَجَاءٍ إِلَّا رَجَاءَ اللَّهِ تَعَالَى...*

۲. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، ج ۶، ص ۲۲۸.

به مردم امید نبند

امام زین العابدین علیه السلام: «مَنْ لَمْ يَزُجْ النَّاسَ فِي شَيْءٍ؛ كَسَى كَسَى» کسی که در هیچ کاری به مردم امید نبندد و همه ی کارهای خود را به خدای عزوجل واگذارد، خداوند هر خواسته‌ای که او داشته باشد اجابت می‌کند.^۱

چرا پروردگار عالم همه ی دعاها و امیدهای ما را پاسخ مثبت نمی‌دهد؟ همانند روز آشکار است برای اینکه نگاهمان، قلبمان، فکرمان و امیدمان و تمام اعضا و جوارحمان در خدمت و به دستان ناتوان و سست بنی بشری مثل خودمان است. فلانی کمک می‌کند! فلانی پارتی خوبی است! به فلانی بگویم حل می‌شود! فلانی همراه من هست پس مشکلی نیست!... درحالی که غافلیم که فلانی هم بنده خدا است و تا خدا نخواهد آب از آب تکان نمی‌خورد.

پس برای رسیدن به خواسته‌ها شایسته است اولاً: جز خداوند را در قلب و فکر و ذهن و رفتار و اعمالمان جای ندهیم و تنها به او دل ببندیم و از او یاری بخواهیم. ثانیاً: با همت و مشورت در آن راه تلاش کنیم.

ناامید از مردم

امام صادق علیه السلام: هرگاه یکی از شما بخواهد که هر چه از خدا چیزی خواست، خدا به او بدهد، باید از همه مردم ناامید شود و جز به خداوند امید نبندد که اگر

۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۸.

خداوند عزوجل دانست که او به‌راستی چنین است هرچه بخواهد به او عطا می‌کند.^۱

انتخاب با خودمان است می‌توانیم چشم امید به افرادی مثل خودمان داشته باشیم و همواره کاسه‌گدایی را در خانه‌ی انسان‌های نیازمندی که آنان نیز همچون ما نیاز به آرامش، سلامتی، امید،... دارند قرار دهیم تا عزت و شخصیت خود را خدشه‌دار کنیم و خوار و ذلیل شویم و سرانجام کار نیز معلوم نباشد که آیا خواسته ما را انجام می‌دهد؟ نمی‌دهد؟ و چقدر منت می‌گذارد؟

و یا می‌توانیم تمام فکر و ذکر و رفتارمان برای خدا باشد و تنها به او تکیه کنیم و تنها از او کمک و یاری بخواهیم. خدایی که وقتی بدهد با عزت و بدون منت می‌دهد. کامل‌ترین و زیباترین را می‌دهد. خدایی که تمام موجودات عالم رزق و روزی را از او می‌گیرند. خدایی که منبع خیر و برکت است و برکاتش پایانی ندارد. خدایی که صحت و سقم و مرگ و حیات در دست تقدیر اوست. پس نیکوست همیشه در خانه خدا را بزنیم تا لذت واقعی برآوردن حاجت را بچشیم.

هر خیری

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ؛

ای که برای هر خیری به او امید دارم.^۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۴۸. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيَسْأَلِ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ وَ لَا يَكُنْ لَهُ رَجَاءٌ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلْهُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۸۲.

شعار افراد امیدوار است. آنان که همواره این ذکر را در گفتار و رفتارشان نمایان است؛ و همه ی خیر و برکت را از او می‌خواهند و می‌دانند آنچه خدا برایشان رقم‌زده است. پُر از خیر و سعادت است. از این رو کارهایشان را منظم و در راستای دستورات الهی انجام می‌دهند و همیشه نیز در انتظار باران رحمت و نسیم مهرورز الهی هستند؛ و خدای کریم و بخشنده نیز این انتظار را دست‌خالی بر نمی‌گرداند.

امید کاذب

امام باقر (ع): **إِيَّاكَ وَ الرَّجَاءَ الْكَاذِبَ فَإِنَّهُ يُوقِعُكَ فِي الْخَوْفِ الصَّادِقِ؛**

از امید دروغین بپرهیز که تو را گرفتار ترس حقیقی می‌کند.^۱

امید بدون عمل. دروغی بیش نیست. تنها امید در پرتو عمل است که رنگ می‌گیرد و رشد می‌کند و شخص را به سعادت و خوشبختی می‌رساند. ماشین بدون سوخت، انسان بدون غذا، انتظار بدون عمل، درد بدون درمان، موفقیت بدون گام برداشتن، رسیدن بدون حرکت، ثروت بدون تلاش... همگی دروغ است و دروغ آدمی را گرفتار پوچی و نیستی می‌کند. پس امیدی نتیجه‌بخش است که همراه با عمل باشد. سوخت را می‌زنم به امید مسافرت، غذا و دارو را می‌خورم به امید سلامتی، حرکت می‌کنم به امید رسیدن...

ناامید برگشتن

امام علی (ع): **اجْعَلُوا كُلَّ رَجَائِكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَ لَا تَرْجُوا أَحَدًا سِوَاهُ فَإِنَّهُ مَا رَجَا**

أَحَدٌ غَيْرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا خَاب؛

^۱. نُحْفُ الْعُقُول، ص ۲۸۵.

هر چه امید دارید، به خدای سبحان داشته باشید و به کسی جز او امید مبنیدید؛ زیرا هیچ کس، به غیر خداوند متعال امید نیست، مگر آن که نومید بازگشت.^۱

آدم‌ها هراندازه قوی و موفق باشند باز هم ظرفیت و توانایی محدودی دارند و قادر نیستند تمام خواسته‌های خود و دیگران را پاسخ دهند. از این رو باید به کسی تکیه کرد و امید بست که سرچشمه قدرت و دانش باشد. نباید فراموش کرد که آدم‌ها وسیله و رابط هستند تا ما را به مقصد برسانند و آن که یاری دهند و راهنمایی کنند و سبب‌ساز است خداوند است که اسباب پیروزی را فراهم می‌کند.

خدا نزد خوش‌بین‌هاست

امام رضا (علیه السلام): أَحْسِنُ بِاللَّهِ الظَّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنْ خَيْرٌ فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرٌّ فَشَرٌّ؛

من نزد گمان بنده مؤمن خویش هستم، اگر به من خوش‌گمان باشد، به خوبی با او رفتار می‌کنم و اگر به من بدگمان باشد، به بدی با او رفتار می‌کنم.^۲

افراد مؤمن و موفق همواره و در هر شرایطی به خداوند حُسن ظن دارند و یقین دارند که آنچه خدا برایشان رقم زده است. بهترین سرنوشت است. چرا که خداوند

۱. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۸۶۱.

۲. بحارالانوار، ۶۷، ص ۳۸۵.

۳. علامه مجلسی در تفسیر حدیث فوق می‌فرماید: معنای جمله فوق این است که من به هنگام خوش‌بینی بنده‌ام در حسن عملش و سوء عملش هستم. چون کسی که حسن عمل دارد، حسن ظن دارد و کسی که عمل بدی دارد، گمان بدی هم دارد. مرآت العقول، ج ۸، ص ۴۵.

کریم‌تر از این است که افرادی به او خُوش گمان باشند و او نیز آن‌ها را پاداش نیک ندهد. از این رو چنین افرادی وظیفه خود را با امید و به نیکوترین شکل انجام می‌دهند؛ و به نتیجه رسیدن مثبت آن نیز یقین و باور دارند.

در هر صورت در انتخاب سعادت و شقاوت خویش خودمان نقش داریم. می‌توانیم آینده و زندگی را روشن و زیبا ببینیم و می‌توانیم آن را تیره‌وتار سازیم؛ و آنچه مهم است این است که خدا همیشه هوادار خُوش بین‌های عملی است. نه خُوش بین‌های توخالی. هر چند لطف و فضل خدا نیز شما آنان نیز می‌شود و هر کس به اندازه خودش نتیجه‌اش را می‌بیند.

رحمت خدا

امام علی علیه السلام: الرَّجَاءُ لِرَحْمَةِ اللَّهِ أَنْجَحُ؛

امید به رحمت خدا پیروزی بخش‌تر است.^۱

نتیجه‌ی حرص و طمع داشتن به رحمت بی‌پایان الهی کامیابی و پیروزی دل‌نشین و شیرینی است که هرگز طعم خُوش آن را از یاد نخواهیم برد. از جاهایی که حرص و طمع نیکوست، بحث امید است. هر آن کس حریص‌تر در امید باشد به همان اندازه موفق‌تر است. به یاد داشته باشیم اگر بنده دهد منت هم دهد ولیکن اگر ارباب دهد بی‌نهایت و باعزت دهد.

بزرگ‌ترین بلاء

امام علی علیه السلام: أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ؛

۱. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۳۲۲.

بزرگ‌ترین بلاء قطع امید است.^۱

برخی آدم‌ها بلاء و سختی و مصیبت را در مرگ، فقر و بیماری می‌دانند حال آنکه نزد مردان موفق و پیروز بلاء یعنی ناامید شدن از درگاه رحمت و لطف بی حد و مرز الهی است. بزرگ‌ترین بلاء از آسمان نمی‌بارد بلکه بزرگ‌ترین و سخت‌ترین بلاء از درون آدمی می‌جوشد؛ و آن ناامیدی است. درحالی‌که لایق و شایسته آدمی نیست جز امیدوار بودن و این در شأن و مقام انسان‌های امیدوار و خوش بین است.

خواهید رسید

امام علی علیه السلام: **إِنَّكُمْ إِنْ رَجَوْتُمْ اللَّهَ بَلَّغْتُمْ آمَالَكُمْ وَ إِنْ رَجَوْتُمْ غَيْرَ اللَّهِ خَابَتْ آمَانِيَّتُكُمْ وَ آمَالُكُمْ؛**

به‌راستی اگر شما امید به خدا داشته باشید به امیدهای خود خواهید رسید و اگر به غیر خدا امیدوار گردید آرزوها و امیدهای شما ناامید شود.^۲ چه خوب است از همان آغاز کار نزد کسی برویم که آبرو و عزتمان را حفظ کند و آدمی را شرمنده و کوچک نسازد.

هر لحظه ممکن است

امام علی علیه السلام: **لَرْبَمَا قَرَّبَ الْبَعِيدُ وَ بَعُدَ الْقَرِيبُ؛**

۱. همان، ح ۱۳۲۳.

۲. همان، ح ۳۷۷۱.

هرآینه ممکن است دور نزدیک گشته (نباید ناامید شد) و نزدیک دور گردد (که نباید فریب خورد).^۱

لحظه به لحظه باید امید داشت چراکه عالم عالم اسباب است و خدا را چه دیده‌ای هر لحظه ممکن است توفیق یار شما شود و شما را به نوک قله سعادت و سربلندی برساند و ثانیه به ثانیه باید مراقب بود فریب نخوریم و غافل گیر نشویم چراکه همان طور منتظر آینده‌ای روشن هستیم ممکن است سرمایه عمر و آنچه در اختیار داریم را از دست بدهیم. پس نباید دل بست. بلکه باید با امید و همت و پشتکار عمل کرد و کار را به مُدبر و کاردان هستی سپرد.

ناامید مکن

امام علی علیه السلام: مَنْ رَجَاكَ فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلْ؛

هر که به تو امیدوار بود امید، آرزویش را نومید مساز.^۲

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن به دمی^۳ یا درمی یا قدمی یا قلمی^۴
از ویژگی انسان‌های موفق دست‌گیری و کمک به دیگران است.

مگر خدایت

امام علی علیه السلام: لَا تَرْجُ إِلَّا رَبَّكَ؛

۱. همان، ح ۲۳۴۰.

۲. همان، ح ۱۰۳۰۴.

۳. سخن.

۴. پوربای ولی.

امیدوار مباش مگر به پروردگار خود.^۱
 خدایی که ما را به بهترین شکل و زیباترین و قدرتمندترین صفات نیک آفریده
 و به تمام خوبی‌ها و کاستی‌های ما آگاه است و خیر و شر ما را از هرکسی بهتر و
 دقیق‌تر می‌داند و هیچ نفع و سودی برای خودش نمی‌خواهد چرا از او کمک و
 یاری نجویم؟ آیا رزق و روزی را غیر از او کسی دیگر می‌دهد؟ آیا او قادر و توانا بر
 انجام هر کاری نیست؟

دانشمند کیست؟

امام علی علیه السلام: فقیه به تمام معنا، کسی است که مردم را از رحمت خدا نومید
 نگرداند و از فضل و بخشایش خدا، مأیوسشان نسازد و از مکر و عذاب خدا هم
 آسوده خاطرشان نکند.^۲
 نیکوترین پرواز، پرواز با دو بال امید و ترس است. امید به اینکه دست خدا با
 من است و همیشه کنارم هست. ترس به اینکه کاری نکنم که دست و یاری خدا
 از من جدا شود؛ و تنها و بی‌کس بمانم.

سردتر از زمهریر

امام صادق علیه السلام: **الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ أَشَدُّ بَرْدًا مِنَ الزَّمْهَرِيرِ؛**
 نومیدی از رحمت خدا، سردتر از زمهریر است...^۳

^۱ . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۳۳۸.

^۲ . نهج البلاغه، حکمت، ۹۰. **الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ. وَلَمْ يُؤْيِسْهُمْ**
مِنْ رَوْحِ اللَّهِ. وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ.

^۳ . خصال، ج ۲، ص ۳۴۸. صفات هفت‌گانه.

زمهریر: سرمای سخت و شدید.

روح ناامیدی آدمی را سرد و خشک و بی روح می‌کند. فرد ناامید حرکت و تلاشی از خود ندارد. مرده متحرک و علف خشکی است که تنها همچون تخته‌سنگی وجود دارد و دیگر هیچ.

ولی روح امید به خدا، گرم، پرهیجان و پرحرارت است. هرکجا و هر زمان روح امید دمید هزاران شکوفه و نوبهار زیبا از کنارش رویید و به ثمر نشست. کسانی که روح امید به خدا را دارند در حقیقت معدنی از نیروهای مثبت الهی و حامل انرژی مثبت هستند و همواره نیز به دیگران گرمی و امید و نشاط و زنده بودن می‌دهد.

به اندازه نیت

امام علی علیه السلام: بدان که آن کسی که خزانه‌های آسمان‌ها و زمین در دست اوست به تو اجازه دعا کردن داده و اجابت نمودن آن را ضمانت کرده است *** پس مبادا تأخیر در اجابت او تو را نومید گرداند؛ زیرا که دهش به اندازه نیت بستگی دارد.^۱

شخصی تعریف می‌کرد دوست داشتم شغلی داشته باشم که روزانه پول فروان به دستم بیاید؛ و به طوری که مشغول شمردن پول‌ها شوم. از این رو متوسل به امام رضا علیه السلام شدم و دعا کردم و از حضرت خواستم تا چنین شغلی به من بدهد. از قضا الهی و لطف امام رضا علیه السلام در استخدامی بانک قبول شدم و کارمند بانک شدم؛

^۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱. اعلم أن الذي بيده خزائن السموات والأرض قد أذن لك في الدعاء وتكفل لك بالإجابة *** فلا يقمطك إبطاء إجابتها؛ فإن العطية على قدر النية.

والان روزانه پول‌های فراوانی به دستم می‌رسد و می‌شمارم ولی ای کاش وقتی که از امام رضا علیه السلام چنین شغلی را خواستم می‌گفتم آقا جان پول‌ها مال خودم باشه نه مال مردم!

ناامیدی و تنبلی

امام علی علیه السلام: **فِي الْقُنُوطِ التَّفْرِيطُ؛**

نومیدی، باعث کوتاهی در عمل می‌شود.^۱

افراد ناامید، به دلیل کوتاهی همت و تنبلی همیشه در کارهایشان عقب هستند. هیچ‌گونه نشاط و انگیزه‌ای ندارند. بیشتر کارهای این‌گونه بشر ناقص و ناتمام است؛ و کوله‌بار خود را در میان راه رها می‌کنند و به مقصد نمی‌رسند چراکه خود را لایق و شایسته خوبی‌ها نمی‌دانند؛ و نیز به کمک و یاری خدا نیز اعتمادی ندارد. ویکی از دلایل مهم تنبلی نبود انگیزه و امید است.

ولی افراد امیدوار، به دلیل بلندهمتی و تلاش و کوشش، همواره در اوج قله‌های سعادت پرچم موفقیت خویش را به اهتزاز درمی‌آورند. و در راه رسیده به هدف نهایت امید و همت را دارند؛ و پله‌پله، قلاب امید خود را تیزتر می‌کنند تا به اهداف بهتر و بلندتری دست یابند و به یقین، خداوند نیز یاور آن‌هاست.

قاتل خاموش

امام علی علیه السلام: **قَتَلَ الْقُنُوطُ صَاحِبَهُ؛**

^۱. تَحَفُّ الْعُقُولِ، ص ۸۳.

ناامیدی، صاحب خود را می‌گُشد.^۱

چهبسا افرادی زیادی که ثروت و موقعیت و شرایط پیروزی و تندرستی را داشتند اما تنها به دلیل ناامیدی شکست خوردند و خود را به دره هلاکت کشاندند.

و چه بسا افرادی که آه در بساط نداشتند تا سودا کنند و به نان شبی محتاج بودند و لکن با امید و همت خودشان را به نوک قله‌ی سعادت و خوشبختی رساندند؛ و خود را از فقر بیچارگی و مرگ نجات دادند. چه افرادی که با یک بیماری ساده از دنیا رفتند ولی چه افرادی نیز که با برخی بیماری‌های ناشناخته دست‌وپنجه نرم می‌کنند ولی روحیه امید به خدا را در خود زنده نگه می‌دارند و می‌توانند به اهداف خود به بهترین شکل دست یابند.

ناامید و شکست

امام علی علیه السلام: **كُلُّ قَانِطٍ آيِسٌ**؛

هر ناامیدی ناکام است.

روشن است که هر که دم از ناامیدی بزند و همواره در حال شکوه و گلایه باشد.

این فرد گرفتار و زمین‌گیر خواهد شد و روی تندرستی و کامیابی را نمی‌بیند.

ولی روشن‌تر از آن این است که هر که دم از امید بزند. همواره آسمانی و آسمان

گیر می‌شود؛ و روحش در اوج خوشبختی و نیک بختی پرواز می‌کند؛ و

لحظه‌به‌لحظه به پَر و بال توفیق و کامیابی خویش می‌افزاید.

^۱. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۳۳۱.

مَثَل‌های امید

اگر را کاشتند، سبز نشد.

اگر را با مگر تزویج کردن
از ایشان بچه‌ای شد کاشکی نام^۱

رسول خدا ﷺ چنین می‌فرماید: **إِيَّاكَ وَاللَّوْ فَإِنَّ اللَّوَّ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ**؛
پرهیز از اگر گفتن که اگر گفتن گره از کار شیطان می‌گشاید.^۲

امید را با «اگر و مگر» گره نزن. اگر رئیس بودم، اگر ثروتمند بودم، ای کاش
فلان شغل را داشتم... این‌ها را ببوسید و کنار بگذارید به فکر آینده و حال باشید
و بهتر است امید را با «تلاش و همت» گره بزنید.

آدم به امید زنده است.

چه عاملی باعث درمان بیماری‌ها و خوردن دارو است؟ چرا در مسابقات شرکت
می‌کنیم؟ چرا ازدواج می‌کنیم؟ چرا مسافرت می‌رویم؟ چرا سرمایه‌گذاری

^۱. قند و نمک، ص ۷۱.

^۲. کنز العمال، ج ۳، ص ۶۵۹، ح ۸۳۸۵. به نقل از کتاب ماه و آب.

می‌کنیم؟ چرا خانه می‌سازیم؟ همه این‌ها به دلیل داشتن امید به زنده بودن است. اگر از آدمی زاد امید را بگیرند زندگی اش متوقف می‌شود و نابود می‌گردد. پس امید لازمه‌ی زندگی است.

به اشتباهی مردم نمی‌شود نان خورد.

هیچ‌گاه به امید دیگران تکیه نکن. خودت آقای خودت باش و به خدای روزی‌رسان امیدوار باش.

پيله کردن

برای رسیدن به موفقیت و پیروزی باید اهل سماجت و اصرار باشید. هرگاه دنبال کاری رفتید همانند «کنه» به جان آن کار بچسبید و رهايش نکنید؛ و پيله ابریشم خود را به دور کار ببندید و آن را تسلیم و رام خود گردانید. به یاد داشته باشید تنها افراد امیدوار می‌توانند اهل سماجت و کامیابی باشند.

تا آهن گرم است باید کوفت.

(تا تنور گرم است باید نان را چسباند)

نگذارید همانند ابر فرصت‌ها از دست شما برود. سارق فرصت باشید. حتی به کوچک‌ترین فرصت نیز چشم امید بدوزید. با امیدواری در کمین فرصت باشید و آن را به‌موقع و صحیح به دست آورید.

جهان را به امید خورده‌اند.

تا حالا دوران کودکی آدم‌های ثروتمند و موفق را خوانده‌اید. تعداد قابل توجهی از آن‌ها فقیر و تنها بودند و لکن الآن آقای خودشان شدند و به دیگران امرونی می‌کند و جهان را به راحتی خورده‌اند. چراکه امید به خوردن داشتند؛ و ناگفته پیداست که فرق است بین امید و حرص و آز. شایسته است قبل از خوردن دنیا، هدف از خوردن را روشن کنیم. تا دنبال چیز بی ارزش و کم اهمیت نباشیم. اگر دنیا را خوردی و در کنارش به دیگران خوراندی و دیگران را بهره‌مند کردی پس بدان این بهترین نیت است و حتماً خداوند نیز هوادار چنین نیتی است.

حمام بی عرق نمی‌شود.

انتظار نداشته باشید پاداش بدون زحمت بگیرید. در راه امید به زندگانی سختی و فراز و نشیب نیز هست با سختی‌ها کنار بیایید و یا راه حلش را بیایید.

حیف بابام بود که مُرد

برگذشته‌ها صلوات بفرستید و غم و غصه آن را ننوشید و نخورید. نه تنها به فکر آینده باش بلکه از همین حال نیز کمر همت را ببند و در کنار امید به خدای دانا و مهربان کارت را بپشتکار دنبال کن.

امیرالمؤمنین علیه السلام: می‌فرماید: لَا تَأْسَ عَلَيَّ مَا فَاتَ؛

اندوهگین مشو بر آنچه فوت شده است.^۱

۱. تصنیف غررالحکم، ح ۶۰۷۰.

خم به ابرو نیاوردن

پایدار و استوار و امیدوار در برابر سختی‌ها باشید. با امید به آفریدگار هستی «م» مشکلات را بردارید تا مزه شیرین «شکلات» زندگی را بچشید.

خوش آن دل که کاندرا آن نور امید است.^۱

خوش به حال کسانی که نور امید در وجودشان می‌درخشد و قلب و دلی پاک و پر نشاط و امیدوار دارند و غافل نشوید که این دل می‌تواند دل من و تو باشد؛ و آن نور نیز نور امید به خالق من و تو باشد.

الخیر فی ما وقع.

کسی که برنامه‌ای برای کار و زندگی‌اش ریخته اما حساب‌هایش درست از کار درنیامده و بدون این که خودش بخواهد کارها جور دیگری پیش رفته، با گفتن این مثل به خودش دل‌داری و امید می‌دهد و به آنچه رضای خدا بوده تسلیم می‌شود. انجام^۲ هر راهی، دهی است.

برای تشویق ناامید و ادامه کار و تلاش استفاده می‌شود. هر کاری را که آغاز کنیم پایانی دارند پس تا پایان راه برو و همراه خوبی برای کارهایت باش.

^۱. پروین اعتصامی.

^۲. آخر، پایان.

ان شالله گربه است.

مردی در تاریکی روشنی صبح از حمام بیرون آمد از قضا سگی توی آب جست و سرپای او را نجس کرد مرد که نمی توانست دوباره به حمام برود گفت: سگ نبود ان شالله گربه بود و نجس نبود؛ و دوباره نباید حمام بروم.

جالب است با اینکه می داند موضوع چیست ولی خودش را به نادانی می زند. سختی ها هر چند سخت و محکم باشند. نمی تواند رشته افکار را به دست بگیرند. فرد امیدوار همیشه راه حلی را می یابد و تسلیم هیچ چیز نمی شود. اگر مشکلات با شما کنار نمی آیند شما با آن ها کنار بیایید؛ و همچنان با امید و پشتکار روبه جلو حرکت کنید.

این نیز بگذرد.

می گویند پادشاهی دستور داد برای او انگشتری بسازند و روی نگین انگشترش جمله ای بنویسند. جمله ای که شاه هر وقت شادمان است با دیدن و خواندن آن غمگین شود و هر وقت غمگین است، با دیدن آن شاد شود.

انگشتر سازها، انگشترهای زیبایی ساختند و جمله های زیبا و پرمعنا و جالبی روی نگین ها نوشتند؛ اما هیچ کدام مورد قبول واقع نشد. تا این که پیری دانشمند، انگشتری معمولی آورد که روی آن نوشته شده بود: «این نیز بگذرد».

هنگامی که کسی از مشکلات و گرفتاری های روزمره زندگی، سخت دل تنگ و ناامید و افسرده باشد، از این مثل استفاده می کنیم و به او یادآوری می کنیم که همه چیز در حال تغییر و گذران است و هیچ چیز ثابت و پایدار نیست.^۱

۱. فوت کوزه گری، ج ۱، ص ۲۰۲.

با توکل زانوی اشتر ببند.

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند^۱

برای موفقیت در هر کاری، باید زحمت کشید و تلاش کرد و به خدا امیدوار بود و توکل به خدا بدون سعی و تلاش، نتیجه‌ای نخواهد داشت. فرد امیدوار همیشه امیدش را با همت و پشتکار همراه می‌کند.

بازش کنی دشته، جمعش کنی مُشته.

آرزوهای انسان پایان‌ناپذیر است. باید به فکر عملی بودن آرزوها هم بود تا به یاس و ناامیدی دچار نشویم.^۲ به هر چیز امید دارید آن را عملی کنید؛ و تجربه‌ای شود برای دست‌یابی به آرزوها و امیدهای دیگر.

باید دید قلم‌زن چه قلم‌زده است.

وقتی کسی تمام تلاشش را برای رسیدن به هدفی انجام دهد، اما هنوز از به نتیجه رسیدن مطمئن نباشد، با گفتن این مثل به خدا توکل می‌کند و خودش را آرام می‌کند.^۳ وظیفه ما اقدام و عمل است و نتیجه را به خدای آگاه و دانا واگذار می‌کنیم.

۱. مولوی، دفتر اول، شماره ۴۵.

۲. فوت کوزه‌گری، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۳۱.

دست شکسته به کار می‌رود، دل شکسته به کار نمی‌رود.^۱

اگر شخصی دچار آسیب‌های جسمی شود باز توان و روحیه کار هنوز در او باقی است؛ اما اگر دچار ناامیدی شود. چاره بر او ناچار می‌شود و بی‌انگیزه و بی‌نشاط و بی‌روح می‌شود و توان و شور و شوق کاری را ندارد. از این رو برای دل به کار دادن و سعی و تلاش کردن، نیاز به نیروی محرکه قوی به نام امید است که بتواند شخص را به حرکت درآورد. چراکه تا موتور درونی انسان (امید به خدا) روشن و گرم نشود. انسان قادر به حرکت و پرواز نیست.

بسا مراد که در ضمن نامرادی‌هاست.

هرگز نا امید نباش، در تیره‌ترین لحظه‌های شب است که خورشید، آرام آرام طلوع می‌کند و صبح روشن از راه می‌رسد.^۲ چه بسیار شده است که از اتفاقات روزگار نالیده‌ایم و لب به شکایت به هر کس و ناکس گشوده‌ایم. ولیکن غافل بوده‌ایم که صلاح و مصلحت آدمی در همین سختی‌ها است. از این رو هیچ‌گاه امیدت را از دست نده و در سخت‌ترین طوفانی‌های زندگی در جستجوی روشنایی باش.

قرآن کریم در این زمینه چنین می‌فرماید:

وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛

۱. امثال و حکم دهخدا، ج ۲، ص ۸۰۹.

۲. فوت کوزه‌گری، ج ۱، ص ۲۵۸.

چه‌بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید^۱.

بکار تا درو کنی!

برای به دست آوردن نتیجه و ثمره خوب در هر کاری، باید برنامه‌ریزی درست و تلاش و امید داشت. اگر بکاری، درو خواهی کرد!^۲ به کسی امیدوار می‌گویند که در کنار امید به خدای بی‌نیاز، اهل عمل و کار نیز باشد؛ و امید و تلاش همانند دو بال پرواز برای رسیدن به قله‌ی سعادت است؛ و با نبودن یکی از دو بال پرنده می‌شود چرنده.

به هر چمن که رسیدی، گلی را بچین و برو.

از فرصت‌هایی که در زندگی‌ات پیش می‌آید، استفاده کن. به دنبال بهترین باش. به یک حد و یک فرصت اکتفا نکن؛ تجربه کن و از هر چمن گلی بچین از هر روز و هر لحظه بهره‌ای ببر.^۳ اگر از کسی یا چیزی ناامید شدی نگران نباش و به گلستان بعدی برو. اگر درهای گلستان به روی شما بسته شد. به جستجوی بوستان برو و گلی دیگر بچین. خود را متوقف یک کار نکنید در هر بوستان و

۱. بقره/۲۱۶.

۲. فوت کوزه‌گری، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۸۸.

گلستانی را بکوبید تا به مقصد برسید. اگر گل نیست، به جستجوی چمن، درخت، شکوفه... بروید.

پرسید از بد بالاتر چیه؟ جواب داد: بدتر!

مردی سر سفره شام نشست و دید غذا توی سفره هست، اما زنش ماست و ترشی و این جور چیزها را سر سفره نگذاشته. عصبانی شد و گفت: «چه سفره بدی» و بعد هم قهر کرد و از خانه زد بیرون. در راه به زن و شوهری رسید که با هم دعوا می کردند و زن به خاطر بی کاری مرد و گرسنگی حرف طلاق و جدایی می زد. خدا را شکر کرد که اگر سفره اش بد است خالی نیست که بدتر باشد؛ و به خانه برگشت.

وقتی بخواهیم کسی را به تحمل کردن وضع موجودش سفارش کنیم و او را از وضع بدتر بترسانیم این مثل را می گوئیم.^۱ شایسته است امید معقول و منطقی باشد. امید را در جه بندی کنید. اگر به فلان چیز نرسیدی به همین قناعت کن و قدر این را بدان و به جای ناسپاسی اندکی رنگ تعقل به امیدت بده.

تا ریشه در آب است، امید ثمری هست.

تا زندگی هست، تا جان در بدن باقی است تا آسمان بالا و زمین پایین تا اکسیژن جاری است تا خورشید تابان و ماه نورانی است... امید نیز زنده است و کارگشای کارهای بنی آدم است.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۰۳.

تا هیزم به جاست، آتش نمی میرد.

تا روزنه امید هست، نباید ناامید شد. افراد خلاق و امیدوار همیشه در جستجوی راه حل تازه‌ای هستند و از هر موقعیتی بهره می‌برند و خود را پیروز می‌دانند اجازه ندهید طناب استوار امید سست شود. اهل مبارزه و امید باشید و خود را تسلیم روزگار نکنید. یادمان باشد که خدای مهربان بهترین تکیه‌گاه امید است و تنها اوست که مُسبب الاسباب است.

جای شکرش باقی است!

ممکن بود وضع بدتر بشود به همین دلیل جای شکرش باقی است. افراد قوی و امیدوار هرگز با کوچک‌ترین شکستی بازنده نمی‌شوند. بلکه آن شکست را تجربه خود می‌گردانند و با امید و همت بار دیگر به راه خود ادامه می‌دهند. نظیر رودخانه که برای رسیدن به دریا از هزاران فراز و نشیب می‌گذرد.

حال که ماست نشد، شیر بده.

می‌گویند: پسری به سختی حرف می‌زد و موقع حرف زدنش زبانش می‌گرفت. او را فرستادند تا ماست بخرد. در دکان هر چه کرد بگوید ماست، نتوانست و گفت: ما... ما... آخر خودش هم خسته شد و گفت: حالا که نشد، شیر بده!
به دنبال یک هدف نباشید. هدف‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و متنوع برای خود در نظر بگیرید. اگر پزشکی نشد، آبغوره بگیرید و به گوشه‌ای بنشینید و همگان را مقصر بدانید بلکه به دنبال پرستاری، بهیار، تزریقاتی، داروخانه،

اورژانس... باشید خلاصه دنیا برای کسی تنگ نیست. کافی است امیدوار باشید و با تمام وجودتان بخواهید که خواستن توانستن است.

خدا بخواهد از نر هم می دهد.

اگر خدا بخواهد، هر کاری که از نظر ما بندگان غیرممکن است، ممکن خواهد شد. در نزد قدرت خداوند، هیچ کاری غیرممکن نیست. اراده خدا بر هر چیز قادر و تواناست.^۱

از آنجایی که فکر و توانایی بشر محدود است به هر مشکلی که برمی خوریم زود تسلیم می شویم و گمان می کنیم که این مشکل اختصاصی من شده است و دیگه دنیا به پایان رسیده است. حال آنکه غافل هستیم از اینکه خدای مهربان و توانا رزق و روزی بندگان را از جاهایی که گمان نمی کنند می رساند. خدایی که انسان را از قطره ای ناچیز خلق کرده است همان خدا نیز قادر است مشکلات ما را به راحتی تبدیل به قطره کند به شرطی که ما نیز بخواهیم و سرسخت و استوار در مقابل موج ناامیدی بایستیم و چراکه آفریننده ما قادر به هر کاری است و پشتیبان بندگانش است.

۱. فوت کوزه گری، ج ۱، ص ۴۵۴.

خط ننویسد قلم بی شکاف.

هیچ چیز خالی از عیب نیست و همین خصوصیات خوب و بد هر چیز است که به آن معنی یا شخصیت می‌دهد. بعضی کمبودها و نقص‌ها، برای بهتر شدن نتیجه‌ی کار لازم است و باید آن‌ها را تحمل کرد.^۱

قلم برای نوشتن، سر خود را از دست می‌دهد. چرا که می‌داند برای ماندگار شدن باید تلاش کردن و از برخی چیزها گذشت. بی‌شک موانعی در سر زندگی ما هست و پیش خواهد آمد و آنچه مهم است اینکه بدانیم همین نقص‌ها و سختی‌ها است که رشد ما را ضمانت می‌کنند. هنر آن است که در اوج بار سختی مشعل امید را روشن نگه‌داریم. سختی‌ها جسم و روح آدمی را ورزیده می‌کنند و کسی پیروز میدان است که خود را لایق پیروزی بداند.

در اگر بسته شود، رخنه دیواری هست.^۲

افراد مثبت اندیش نگاه و فکر نمی‌کنند که چقدر مشکلات دارند. بلکه آنان همیشه به فکر راه حل هستند و دست از پشتکار و امید برای شکستن ناامیدی برنمی‌دارند. در انتظار اینکه دری به پهنای کهکشانشان برای شما باز شود، نمانید بلکه به هراندازه که هست قدردان آن باشید و آن را تبدیل به بهترین فرصت کنید. یادمان باشد نور امید در دل‌های ما زنده است فقط باید آن را شعله‌ور کرد. در دریای امید باید از کاهی، کوهی و از خار، گلی ساخت.

^۱. همان، ج ۱، ص ۴۸۴. (قلم‌نی، از ابزار اصلی خطاطان است. این قلم از نی تراشیده می‌شود و برای زیباتر شدن خط و یکنواختی مرکب، شکاف کوچکی بر نوک قلم می‌دهند.)

^۲. صائب تبریزی، غزل، ۱۵۸۱.

در باغ جهان، یک گل بی خار نباشد.^۱

هیچ پاداشی بی زحمت به دست نمی آید. زیباترین گل ها در کنار خشن ترین خارها می رویند. موفق ترین افراد در کنار سخت ترین مشکلات بزرگ می شوند. تنها نیرو و قدرتی که می تواند چنین افرادی را تربیت کند امید به خدای توانا و پشتکار آنان است. خودت را بشناس و دریاب که خالق ما هوادار ماست.

در پس هر گریه، آخر خنده‌ای است.

روزهای سخت بالاخره تمام می شود و روزهای خوش جای آن را می گیرد. فقط باید امیدوار بود و صبر کرد.^۲

اگر الآن در طوفان سختی ها هستید. به دل خودنگرانی راه ندهید و بدانید که در پس این طوفان آرامش ها است. آرامشی که با امید به خداوند و صبر و حوصله به دست می آید. حوصله و صبر دوستان قدیمی و با وفای امید هستند. باید قایقی ای ساخت از صبر که بادبان آن امید و پاروی آن همت و مقصد آن آرامش باشد.

دست برسر زدن از هر مگسی برمی آید.^۳

غصه خوردن هنر نیست. هنر آن است که بر مشکلات صبر کند و با امید و همت دنبال راه چاره باشد.

۱. هلالی جغتایی، غزل، ۱۱۲.

۲. فوت کوزه گری، ج ۱، ص ۵۱۰.

۳. صائب تبریزی، غزل، ۳۶۳۴.

دیر و زود دارد؛ اما سوخت و سوز ندارد.

کاری که باید انجام بشود، حتماً خواهد شد؛ حتی اگر زمان طولانی لازم باشد. حتی به فکر نگرانی آینده هم نباشید. چراکه نتیجه اعمال بالاخره یک روزی نمایان می‌شود و خوش اندامی می‌کند. برای رسیدن به مقصد باید صبر و حوصله کرد و امیدوار بود که روزی میوه شیرین آن را بچینیم.

ذره ذره پشم قالی می‌شود.

برای رسیدن به هدف باید صبور بود. مثل معروف «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.» قطره نشان از پشتکار و اندک اندک است و دریا نشان از برکت و فراوانی است. لازمه دریا شدن امید است. امید به روزی که ما هم دریا و دریای می‌شویم و منبع خیرات بسیاری برای خود و دیگران. پشم کجا؟ قالی کجا؟ امید به زیبا شدن بود که پشم را قالی کرد.

داری طَرَب کن نداری طلب کن.

اگر وضعت خوب است خدا را شکر کن و شادباش و دیگران را نیز شاد کن؛ و اگر وضع خوبی نداری کوشش و تلاش کن تا بدست آوری. تنها افراد امیدوار اهل تلاش و همت هستند؛ و امید سوخت تلاش را فراهم می‌کند و آدمی را برای ادامه کار شارژ می‌کند. در اینجا «طلب» به معنی تلاش است.

دستت را بگیر به زانویت و بگو «یا علی»!

چرا در هنگام دشواری‌ها می‌گوییم «یا علی»؟ چراکه امام علی علیه السلام از نمونه‌های آشکار و از بهترین الگوها برای فرد امیدوار است. چراکه در دوران عمرشان سختی‌های زیادی به ایشان هجوم آورد اما ایشان با امید به خدا تمام مراحل را پشت سر گذاشتند؛ و به مسائل اجازه ندادند تا ایشان را زمینه‌گیر کند.

دنیا به امید برپاست.

شب به امید خورشید، روز به امید ماه، ابر به امید سایه و باران، باد به امید نسیم، پرنده به امید خواندن، انسان به امید رسیدن، دانه به امید رویدن، درخت به امید ثمر، نوشتن به امید خواندن، خواندن به امید فهمیدن و عمل، تفریح به امید نشاط، دین به امید هدایت، ... همه و همه به امید زنده‌اند.

دنیا را هر طور ی بگیر می‌گذرد.

اگر با دنیا با ناامیدی معامله کردی بازنده هستی و اگر با امیدواری معامله کردی پیروزی و سود و منفعت از آن شماست. ساده‌اندیش نباشید و لکن ساده‌دل باشید.

دنیا که آخر نرسیده است.

اتفاق مهمی روی نداده است؛ و هنوز زندگانی جاری است. ماه و خورشید و فلک در کارند تو نیز در کار باش.

راه همیشه سر بالا نیست، سر پایینی هم دارد!

به تعبیر زیبای امیر مؤمنان علیه السلام: **الدَّهْرُ يُؤْمَانِ يَوْمَ لَكَ وَ يَوْمَ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْتَظِرُ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ**؛ روزگار دو روز است یک روز به کام تو و یک روز به زیان تو. پس هنگامی که به کام توست بدمستی مکن و در آن هنگام که به زیان توست شکیبایی کن.^۱

عاقبت، جوینده، یابنده بُود.

هر کس که در راه هدف خود تلاش کند، حتماً به خواسته و آرزویش می‌رسد.

غم آن درد که درمان نپذیرد، چه خوری؟

اگر درد و مشکلی، راه چاره داشت، دنبال آن برو و آن را پیدا کن؛ ولی اگر درد یا سختی‌ات، راه چاره نداشت، خودت را ناراحت نکن. صبر کن و غم نخور، مشکلات به مرور زمان حل می‌شود.^۲

فردا هم روز خداست!

کمی صبر داشته باش. شاید به زودی چاره‌ای برای مشکلاتت فراهم آید.^۳

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۶.

۲. فوت کوزه‌گری، ج ۲، ص ۷۵۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۷۶۰.

روزی می‌آید اما روزی (رزق و روزی) نمی‌آید.

روز و شب و بهار و زمستان خواهیم نخواهیم خواهد آمد و خواهد رفت. آنچه مهم است و باقی می‌ماند عمل نیک و تلاش و همت انسان است. و روزگار به چرخش خود ادامه می‌دهد و اگر تنها امید بدون عمل داشته باشیم. جز خُسران و زیان چیزی نصیبمان نمی‌شود. همانند اینکه شخصی به گوشه‌ای پنهان برود و روزانه صد مرتبه بگوید من گرسنه‌ام! من گرسنه‌ام! تنها چیزی که نصیبش می‌شود گرسنگی بیشتر و خستگی است؛ اما فرد امیدوار در حین اینکه کار و تلاش می‌کند نگاه و امیدش به خداوند یکتاست؛ و خداوند رزق و روزی چنین بنده‌ای را به خیر و برکت و عزت می‌رساند.

زندگی به امید بسته.

چرخ‌های زندگی بر محور امید می‌چرخد و زندگی که امید نداشته باشد کسل و بی‌حال و پنچر است.

شب سمور گذشت و لبِ تنور گذشت.

سختی‌ها و مشکلات برای همه پیش خواهد آمد؛ و در زندگی هر کس حادثه‌های تلخ و شیرین وجود دارد و آنچه مهم است زودگذر بودن همه آن‌هاست. یکی از شب‌های سرد زمستان سلطان محمود غزنوی خیلی سردش شده بود. دستور داد بهترین بالاپوش‌هایی را که از پوست سمور و خز ساخته شده، رویش بیندازند؛ اما باز هم احساس سرما می‌کرد و تا صبح لرزید. صبح که به بیرون

کاخش رفت، مردی ژنده‌پوش را دید که در گوشه‌ای خوابیده است از او پرسید
دیشب را چگونه گذراندی؟ مرد ساده‌پوش در پاسخ او تنها گفت «گذشت».^۱

شتر دیدی، ندیدی!

اشاره به اصل غفلت دارد. گاهی اوقات برای راحتی جسم و روح باید خودمان
را به غفلت بزینیم.

از آن روزی که ما را آفریدی به غیر از معصیت چیزی ندیدی
خداوندا! به حق هشت و چارت ز موبگنر، شتر دیدی، ندیدی!^۲

نباید همچون جاروبرقی هر زباله‌ای را به درون خود راه داد. جایگاه قلب و
ذهن آدمی جایگاه شریف و بلندی است که شایسته است تنها افکار مثبت و
امیدوارکننده به آن راه پیدا کنند. اگر افراد با رفتارهای منفی و کسل‌کننده اطراف
شما است. هرگز اجازه ندهید که شما را تسلیم افکار و رفتارشان کنند. اگر به ناچار
با چنین افرادی در تماس هستند. پس از مرحله تذکر و پند دهی و تأثیر نگذاشتن،
خود را به غفلت بزینید و یک گوش را در و گوش دیگر را دروازه کنید.

شتری که علف می‌خواهد، گردن دراز می‌کند.

تلاش و کوشش لازمه رسیدن به خوشبختی و سعادت است. امید بدون زحمت
و تلاش معنا ندارد. امیدی ستودنی است که در کنارش همت و پشتکار باشد.

۱. همان، ج ۲، ص ۶۷۴.

۲. باباطاهر، ۳۲۷.

عسل در باغ هست و غُوره هم هست.

شیرینی و تلخی روزگار به هم آمیخته است. انتظار نداشته باشید همیشه موفقیت در خانه شما را بزند. گاهی هم شکست در خانه را می‌زند؛ و این پست و بلندی زندگی نشان از زنده بودن است. آدم‌هایی که با سختی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند غالباً چنین افرادی، انسان‌های موفق و امیدواری هستند که مفید برای خود و اطرافیانشان هستند.

قطره قطره، جمع گردد و انگهی دریا شود.

اندک اندک علم یابد نفس چون عالی بود قطره قطره جمع گردد و انگهی دریا شود^۱
لازمه‌ی موفقیت، صبر و حوصله و امید است؛ و موفقیت را یک شبه به آدم نمی‌دهند بلکه نیاز به امید و صبر دارد.

مثل قالی کرمان است؛ هر چه پا بخورد، بهتر می‌شود.

وقتی بخواهیم از شادابی کسی سخن بگوییم که گذشت ایام و فشارهای زندگی، موجب پژمردگی یا پیری او نشده است. برعکس هر روز جوان‌تر و بانشاط‌تر به نظر می‌رسد از این مثل استفاده می‌کنیم^۲
به یاد داشته باشید زیر چرخ سختی‌هاست که مردان نیرومند و توانا ساخته می‌شوند. افراد امیدوار هرگز امید به خدا را در دشواری‌ها از دست نمی‌دهند. بلکه می‌دانند پس از هر سختی آسانی است.

^۱. ناصر خسرو.

^۲. فوت کوزه‌گری، ج ۲، ص ۹۱۳.

عاقبت این شب تاریک سحر خواهد شد.

هر چیزی دوره‌ای و پایانی دارد و انتهای دوران ناخوشی و تاریکی، خوشی و روشنایی است.

غیر از مُردن هر کاری چاره دارد.

امید به هر راه حلی داشته باشید. برای قفلی هزاران کلید و کلیدساز وجود دارد. آنچه مهم است. امید داشتن به یافتن و پیروز شدن است. از نیروهای درونی که خداوند به بشر عطا کرده است استفاده کنید. نیروی تعقل، امید، اراده...

غیرممکن، غیرممکن است!

شاید، غیرممکن برای بشر غیرممکن باشد ولی برای آفریننده جهان هستی غیرممکن رنگی ندارد؛ و اگر خدای توانا و حکیم بخواهد به بهترین شکل و آسان‌تر راه همه چیز را جفت و جور می‌کند. منتها به شرط خواستن و امید داشتن بنده‌اش به قدرت بی‌انتهای خالق بشر.

قاشق نداری آتش بخوری، نانت را کج بیل کن.

اشاره به ناامید نشدن است و اینکه آدمی باید اهل سعی و تلاش باشد. استعداد و خلاقیتی که خداوند به انسان داده است در درون هر کس نهفته است. فقط کافی است تا آن را با امید و پشتکار بیدار کنید.

کار نشُد، ندارد!

هر کاری، به کمک سعی و تلاش و همت، انجام خواهد شد؛ کاری نیست که با وجود این سه عامل، انجام نشود.^۱

آسوده کسی که خر ندارد از گاه و جوش خبر ندارد

این مثل را غالباً اشخاص بی بضاعت که نانی به دست می آورند و به قناعت می خورند استفاده می کنند و گاهی هم اشخاص توانگر از کثرت کار و زحمت ناشی از ثروت زیاد و خستگی روحی یادی از آسایش مردم بی بضاعت کرده و این مثل را می گویند. اگر به آنچه می خواستید دست نیافته اید نگران نباشید بلکه در عوض آسایش و راحتی دارید.

آقای خودمَم، نوکر خودم!

وصف حال آدمی است که به خاطر استقلال و تکیه نداشتن به دیگران یا مادیات و تعلقات دنیایی، دارای آزادی و آسودگی است و آرامش خیال دارد. قلاب امید را باید جای مطمئنی انداخت. اگر امید به دست مردم نا اهل و بخیل و حریص... داشته باشید بدان که به همان واگذار می شوید و بدان که امیدت به سنگ سیاه می خورد چراکه آن دسته افراد اگر انسان های موفق بودند دچار گرداب منفی بافی و رفتارهای ناپسند نمی شدند. از این رو بهترین کسی که می توان به او امید داشت خدای مهربان است که هم دریای لطف و رحمت وسیعی دارد و هم بخشش و کرم بی پایانی دارد.

^۱. فوت کوزه گری، ج ۲، ص ۷۹۷.

آن‌هایی که دویدند و آن‌هایی که چریدند، هر دو با هم رسیدند.

زیاد سخت‌گیر نباشید، آنچه روزی‌ات باشد به شما می‌رسد. زندگی را سهل و ساده بگیرید برای به دست آوردن رزق و روزی خود را به در و دیوار نزنید، دست را به روی هر کس و ناکس دراز نکنید. شما هر قدر هم که بدوید بیشتر از پیمان‌های که روزیتان است به دست نمی‌آورید. شاید کوه‌ای از ثروت و مال اندوخته باشید اما مهم بهره بردن از آن است. چه افرادی را دیدیم که دست رنجشان را وارث محترم بالا کشیده و آبی هم به روی قبرش نپاشیدند. آنچه مهم است سلامت، نشاط و مفید بودن زندگی است.

آئینه هر چه دید، فراموش کند.

هرگز نماند در دل ما کینه‌ی کسی آئینه هر چه دید، فراموش می‌کند^۱

اگر بخواهیم به کسی بگوییم که غصه نخور، کسی که به او بدی کرده‌ای، آدم بزرگواری است و تو را می‌بخشد و یا بخواهیم به کسی بگوییم که ما آدم خودخواه و بی‌گذشتی نیستیم و گناه کسانی را که به ما بدی کرده‌اند، ما نادیده می‌گیریم و می‌بخشیم از این مثل استفاده می‌کنند.^۲ اگر کسانی مانع موفقیت شما شدند نگران نباشید بلکه دل دریایی داشته باشید و از آن‌ها بگذرید.

امام علی علیه السلام: **أَعْضُ عَلَى الْقَدَى وَالْأَلَمِ تَرَضُّ أَبَدًا؛**

چشم از سختی خوار و خاشاک و رنج‌ها فروبند تا همواره خشنود باشی.^۳

۱. صائب تبریزی.

۲. فوت کوزه‌گری، ج ۱، ص ۷۸.

۳. نهج البلاغه، حکمت، ۲۱۳.

گذشته‌ها گذشته

گذشت‌ها رفت و آینه عبرت شد پس با امید و پشتکار به فکر آینده باشد.

گوسفند شش ماه چاق است شش ماه لاغر.

خوبی و بدی و سود و زیان در کنار هم هستند. انتظار نداشته باشید که همیشه سر حال و پرنشاط و موفق باشید. انسان موفق می‌داند که در هر کاری احتمال شکست و ناراحتی هست اما آنچه باعث پیروزی نهایی وی می‌شود امید به خداست.

ماه همیشه زیر ابر نمی‌ماند.

بالاخره حقیقت و راستی روزگاری آشکار می‌شود. کافی است صبر پیشه کنید و امیدوار باشید.

ناامیدی کار شیطان است.

تاریکی، بدبینی، سوءظن، افکار منفی... کار شیطان است. از هر در و پنجره‌ای وارد می‌شود تا سیاه‌نمایی کند و نگذارد شما به موفقیت برسید. در مقابل، امید، خوش‌بینی، افکار مثبت رفتارهایی است که خداوند می‌پسندد و به آن امتیاز مثبت می‌دهد.

یکی از ترفندهای شیطان این است که گذشته‌ی فردی را که در آستانه پیروزی است را در جلوی چشمش می‌آورد و دائم به ذهنش می‌آورد که درگذشته چه مشکلاتی داشته‌ای و چه بداقبالی‌هایی آورده‌ای. و نمی‌گذارد فرد به کامیابی

برسد. پس مراقب این دام شیطان باشید؛ و با امیدواری و خوش بینی به راهتان ادامه دهید؛ و تسلیم وسوسه های شیطان پلید نشوید و بدانید که خداوند توانا و حکیم پشتیبان افراد امیدوار است.

نه هر که رفت رسید، نه هر که کشت درود.

خواست و اراده خداوند را نباید فراموش کرد. گاهی اوقات تمام تلاش خود را انجام می دهیم و لکن به نتیجه نمی رسد و این زنگ خداست که به صدا می آید و می گوید. درست است که همه کارها را خودت انجام دادی و لکن اذن و اراده خداوند نیز شرط است. در هر کار نباید از امید به خداوند غافل شد و همیشه باید از او کمک خواست تا کارها برکت پیدا کند.

هر چه پیش آید خوش آید.

گفته ی آدم های امیدوار و مثبت نگر است. این افراد به مسائل اطراف خود به دید خوب و مثبت می نگرند؛ و به خوبی می دانند که هر مسئله ای که پیش آید باعث رشد و ترقی آنهاست؛ و فرصتی است برای به دست آوردن موقعیت های تازه و بهتر.

همیشه آسمان آبی نیست.

همه چیز در حال تغییر است. زندگی و زمانه همواره در حال دگرگونی است. گاهی سرد و بی روح گاهی گرم و شاداب.

نباید انتظار داشت که همیشه آسمان زندگی نیز آبی و روشن باشد. گاهی هم برای پیشرفت و ترقی طوفان لازم است.

و گر زمانه نسازد، تو با زمانه بساز!^۱

اگر تمام اسباب دنیایی دست به دست هم داده تا تو را به خاک سیاه بنشانند. تو تسلیم نشو، همانند سپری استوار جلوی آن قامت خود را بلند کن و سیلی محکم امید را به گوشش بنواز. به زمانه بیاموز که آدم امیدوار صد هزار ارزشش بهتر از زمانه‌ی گذرا است.

هیچ دودی بی آتش نیست!

هر کاری انگیزه‌ای دارد. اگر الآن افراد موفق را می‌بینی که با نشاط و امید کارهایشان را انجام می‌دهند بدان که این موفقیت ریشه در دوران گذشته وی دارد. هر چند گذشته تلخ و پرفراز و نشیبی داشتند اما امید به خداوند در جای جای زندگی‌شان نمایان است.

یک سال بخور نان و تره، هر سال بخور نان و بره.

اگر مدتی به خود سختی بدهید و در زندگی، صرفه‌جویی و پس‌انداز کنید، باقی عمر را در رفاه و آسایش به سر خواهید برد. برای آنکه قله موفقیت را فتح کنیم باید سختی راه را تحمل کرد.

۱. مسعود سعد سلمان، ۱۶۸.

یارب مکن امید کسی را تو ناامید.

دعای اهل دل است برای دلگرمی دادن به کسانی که امید به خداوند یکتا دارند.

شعرهای امید

چوسر با وصل دارد سهل کار است
به امیدی رسد امیدواری^۱

اگر چه آفت عمر انتظار است
چو خوش تر ز آنکه بعد از انتظاری

دعای ضعیفان امیدوار
ز بازوی مردی به آید به کار^۲
گاهی اوقات دعا و نیایش افراد امیدوار بهتر از دستن توانای مردان جنگی
است.

یافتد، بُرد طناب اَمَل^۳

نویسنده را اگر ستون عمل

حتی در طوفان بلاء نباید امید کسی را ناامید کرد.

مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان^۴

امیدوار بود آدمی به خیر کسان

۱. نظامی، خمسه، خسرو و شیرین، ۳۰.

۲. سعدی، بوستان، باب اول، ۴۱.

۳. اَمَل: آرزو، امید. سعدی، بوستان، باب اول، ۱.

۴. سعدی، گلستان، باب چهارم.

چو در خیر کسان امیدواری

ز نومییدی برو آیدت خاری^۱

اگر به خیر و امید کسی نشسته ای، بی ثمر است و تنها چیزی که نصیبتش می شود خواری و ذلت است.

مُحال است اگر سر بر این در نهی

که باز آیدت دست حاجت تُهی

خدایا مقصر به کار آمدیم

تهیدست و امیدوار آمدیم^۲

بسا سالیان دراز در بند و چاه

که شد روز دیگر خداوند جاه^۳

چه بسا افرادی امیدواری که تا دیروز اسیر و گرفتار بودند ولکن امروز پادشاه و سرور شدند.

از همه نومیید شد مسکین کیا

پس بر آرد هر دو دست اندر دعا

کز همه نومیید گشتم ای خدا

اول و آخر تویی و منتهاها^۴

اگر چشم انتظار و امیدوار به کسی غیر از خدا هستی بدان که سخت در اشتباهی. به قول معروف امید بستن به غیر خدا همچون خانه عنکبوت است سست، شکننده، بی اعتبار. شایسته است در فراز و نشیب زندگی به خدای توانا و مهربان امید ببندیم و در تنگناها او را صدا بزنیم. خدایی که بدون کوچک ترین چشم داشتی کار انسان را به بهترین و کامل ترین شکل سروسامان می دهد. پس

۱. ویس و رامین، به نقل از دهخدا، واژه امیدوار.

۲. سعدی، بوستان، باب دهم.

۳. اسدی طوسی، گرشاسب نامه...

۴. مثنوی معنوی، دفتر سوم، ۹۹.

نباید به درگاهی جز درگاه الهی امید داشت و شرط امید به خدا، قطع امید کردن از مردم است.

انبیا گفتند: نومیدی بد است
 از چنین محسن^۲ نشاید ناامید
 فضل و رحمت‌های باری^۱ بی حد است
 دست در فتراک^۳ این رحمت زنیـد
 بعد از آن بگشاده شد سختی گذشت
 ای بسا کارا که اول صعب^۴ گشت
 بعد نومیدی بسی اومیده‌است
 از پس ظلمت بسی خورشیده‌است^۵

طبق نص قرآن مجید ناامیدی کفر است. تنها افراد کافر و گمراه ناامید می‌شوند و ناامید می‌کنند.

باز آ، باز آهر آنچه هستی باز آ
 این درگه ما درگه ناامیدی نیست
 گر کافر و گبر^۶ و بت پرستی باز آ
 صدبار اگر توبه شکستی باز آ^۷

لطف و رحمت بی‌پایان خداوند آن قدر زیاد است که اگر صدها بار همه توبه کنیم او می‌پذیرد. تنها درگهی که بدون منت و فخر فروشی انسان را می‌پذیرد، درگه خداوند مهربان است. امید به دریای مهربانی خداوند بنده را به سوی پروردگارش می‌کشانند. وقتی که خود خدا در قرآن مجید می‌گوید:

۱. آفریدگار، خدا.

۲. نیکوکار.

۳. تسمه و دوال که از عقب زین اسب می‌آویزند و با آن چیزی به ترک می‌بندند. زین اسب.

۴. مشکل، سخت.

۵. مثنوی معنوی، دفتر سوم، ۱۳۶.

۶. آتش پرست.

۷. ابوسعید ابوالخیر.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ
الدُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛

بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید
نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.^۱

و در جایی دیگر می‌فرماید:

و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛

و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید!^۲

چو بحر^۳ عنایت در افزایش است به هر جرم امید بخشایش است^۴

تا زمانی که خدا ناخدای هستی است تا زمانی که دریای مهر و محبت الهی
خروشان است. امید به بخشایش مجرمان و گناهکاران باقی است. از این رو
شایسته است همیشه امیدوار به رحمت و امداد غیبی الهی باشیم.

خواهی نرسی به ناامیدی‌ها نومید مکن، امیدواران را^۵

آدم‌های موفق همیشه اهل انرژی مثبت دادن به اطرافیان هستند. در
سخت‌ترین مسائل امیدوار هستند و به دیگران نیز امیدواری و انگیزه می‌دهند.
سعی کنید در زندگی دلی را شاد و گره‌ای را بگشاید. حداقل نور امید و شور و
نشاط و انگیزه را در دیگران ایجاد کنید. در ارزیابی دیگران نقد خوب است اما
پیشنهاد عالی‌تر است. ایده و راه حل بدهید هرچند شدنی نباشد. به هر حال

۱. فاطر/۵۳.

۲. نور/۳۱.

۳. دریا.

۴. دیوان آذر بیگدلی.

۵. فروغی بسطامی، غزل ۲۷.

خداوند بر ای هر دردی درمانی آفریده است؛ و خداوند تمام درها و چاره‌ها را برای بشر خلق کرده است فقط باید با نور امید و همت در جستجوی آن بود.

یوسف گم گشته باز آید به کنعان^۱ غم مخور

کلبه احزان^۲ شود روزی گلستان غم مخور

ای دل غمدیده حالت به^۳ شود دل بد ممکن

وین سر شوریده^۴ باز آید به سامان غم مخور^۵

نگاه ات به آینده، مثبت و روشن باشد. مشکلات و سختی‌ها زندگی مانند تیر

در چله کمان است. تیر به عقب کشیده می‌شود و پس از کشیدن و تحت فشار قرار

گرفتن رها می‌شود و به هدف می‌رسد. همیشه به اهداف خود خوش بین و امیدوار

باشید.

که با چندین گنه امیدواریم

خداوندی چنین بخشنده داریم

بیا تا هم بدین درگه بزاریم

که^۶ بگشاید دری کایزد بیندد؟

جز انعامت دری دیگر نداریم^۷

خدا یا گر بخوانی ور بـران

تنها امید به خداوند بخشنده و مهربان داشتن نجات دهند حقیقی است. دری

را که خدای مهربان گشاید هیچ کس قادر به بستن آن نیست و اگر همان خدای

۱. سرزمین و محل زندگی قوم کنعان و حضرت یعقوب علیه السلام، منطقه‌ای در شام قدیم. شامل

جنوب سوریه و فلسطین.

۲. غم‌ها.

۳. بهتر.

۴. آشفته، پریشان.

۵. حافظ، ۲۵۵.

۶. چه کسی.

۷. سعدی، غزل ۴۸.

مهربان دری را ببندد هیچ کس قادر به گشودن آن نیست. پس تنها به درگاه او نگاهت را بدوز و امید داشته باش.

هر چه دلم خواست نه آن می شود هر چه خدا خداست، همان می شود

گاهی اوقات دلمان هوای چیزی را دارد ولی خدای دانا به حسب خیر و برکت و حکمت چیزی دیگر را رقم می زند.

همی تا بگردی انگشتتوری جهان را دگرگون شود داوری

ثانیه به ثانیه جهان در حال گردش و فراز و نشیب است. با یک چشم به هم زدن شاه گدا و گدا شاه می شود. پس نیکوست همواره در انتظار تغییر و پیشرفت و رشد باشیم.

مشکلی نیست که آسان نشود مرد باید که هراسان^۱ نشود

هر مسئله ای راه حلی دارد با همت و امید می توان به آن دست یافت. تنها انسان های قوی و شجاع می تواند به راه حل های شگفت انگیز و مفید راه پیدا کنند.

امام علی علیه السلام: إِذَا هَبْتَ أَمْرًا فَفَعَّ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ؛

هرگاه از کاری ترسیدی، خود را به کام آن بینداز، زیرا ترس شدید از آن کار، دشوارتر و زیان بارتر از اقدام به آن کار است.^۲

تا خیال و فکر خوش بروی زند فکر شیرین مرد را فربه کند

جانور فربه شود لیک از علف آدمی فربه ز عزت و شرف

آدمی فربه شود از راه گوش جانور فربه^۳ شود از حلق و نوش^۴

۱. ترس.

۲. نهج البلاغه، حکمت، ۱۷۵.

۳. چاق.

۴. مثنوی معنوی، دفتر ششم.

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند
چنان نماند و چنین نیز نخواهد ماند^۱
غم و شادی تاروپود دنیا هستند و به هر طرف بروی این دو با هم هستند؛ و هر
دو نیز ثابت نیستند و گذرا هستند. شخص امیدوار به خوبی می‌داند که آنچه
به سرعت بخشیدن گذر از سختی کمک می‌کند امید است.

بگذرد این روزگار، تلخ‌تر از زهر
بار دگر روزگار، چون شکر آید.^۲

گفت پیغمبر^۳ که چون کوبی دری
چون نشینی بر سر کوی کسی
عاقبت زان در برون آید سری
عاقبت بینی تو هم روی کسی
چون ز چاهی می‌کنی هر روز خاک
عاقبت اندر رسی در آب پاک
جمله داند^۴ این اگر تو نگروی
هر چه می‌کاریش روزی پدروی^۵

خدا گر ز حکمت بیند دری
خدا را^۶ به حکمت ببندد دری
ز رحمت گشاید در دیگری
گشاید به فضل و کرم دیگری^۷

۱. حافظ، غزل، ۱۷۹.

۲. لا ادری.

۳. «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَ جَدَّ وَ جَدَّ وَ جَدَّ؛ هر که چیزی بجوید و بکوشد بیاید». نهج الفصاحه، ح ۳۰۶۲.

۴. همگان می‌دانند.

۵. مثنوی، دفتر سوم، ۲۲۸. پدروی: درو کردن، چیدن محصول.

۶. اگر.

۷. سعدی؛ بوستان؛ باب احسان

نومید مشوز چاره جستن
 کاری که نه زو^۲ امید داری
 کز دانه شگفت نیست رُستن^۱
 باشد سبب امیدواری
 در نومیدی بسی امید است
 پایان شب سیه سپید است^۳

سعیدی^۴ رفت و فردا همچنان معلوم نیست

در میان این و آن فرصت شمار امروز را^۵

شب تار و بیابان، دور منزل
 خوش آن کس که بارش کمترک بی^۶
 انسان هر چه در زندگی به مقام و وسایل زندگی و مادیات کمتر علاقه داشته
 باشد، راحت تر و با آرامش بیشتر، زندگی را طی می کند و از دردسرهای ورنج‌هایی
 که با رفاه طلبی و مادیات پیش می آید، آسوده تر است.^۷
 خوش است درد که باشد امید درمانش
 دراز نیست بیابان که هست پایش^۸
 به بزرگی مسائل نگاه نکنید چراکه هر آغازی پایانی دارد.

۱. روئیدن. رشد کردن.

۲. کاری که از آن امید داری.

۳. نظامی؛ خمسه؛ لیلی و مجنون، بخش ۱۷

۴. دیروز.

۵. سعدی، غزل، ۱۲.

۶. باباطاهر، (بی؛ باشد)

۷. فوت کوزه‌گری، ج ۱، ص ۴۹۵.

۸. سعدی، غزل، ۳۲۹.

داستان‌های امید

اعتماد ابراهیم علیه السلام به خدا

نَمْرُود (پادشاه شهر بابل در زمان ابراهیم علیه السلام) دستور جمع‌آوری هیزم را داد و در بیابان نزدیک شهر هیزم‌ها انباشته شدند و آن‌ها را آتش زدند ولی از افکندن حضرت ابراهیم علیه السلام در آن آتش ناتوان شدند چراکه شعله‌های آتش اجازه نزدیک شدن را نمی‌دادند. شیطان برای آنان منجلیق ساخت تا به وسیله آن ابراهیم را در آتش بیندازند.

در این هنگام جبرئیل آمد و به ابراهیم گفت: اگر حاجتی داری بگو. ابراهیم گفت: «أَمَّا إِلَيْكَ فَلَا حَسْبِي اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» از تو خیر، خداوند مرا کافی است و او نیکو حمایتگری است. میکائیل آمد و گفت: باران و آب در اختیار من است اگر بخواهی آتش را خاموش کنم.

ابراهیم گفت: «لَا أُرِيدُ» خیر نمی‌خواهم. فرشته باد آمد و گفت: اگر می‌خواهی فرمان دهم باد آتش را پراکنده کند. ابراهیم گفت: «لَا أُرِيدُ» خیر. نمی‌خواهم. جبرئیل گفت: پس خودت از خدا بخواه. ابراهیم گفت: «حَسْبِي مِنْ

سُؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي» علم و آگاهی او از حال من کافی است از سؤال کردن (درخواست کردن) است.^۱

به تعبیری خداوند حال و روز من را می‌داند و نیازی به درخواست نیست.

چه کسی تو را نجات داد

جبرئیل (زمانی که حضرت یوسف زندانی بود) به نزد یوسف عَلَيْهِ السَّلَام آمد و گفت:
چه کسی تو را زیباترین مردم کرد؟
یوسف گفت: «رَبِّي؛ خدای من».

جبرئیل پرسید چه کسی تو را در میان برادران دیگرت پیش پدر محبوب ساخت؟

یوسف گفت: پروردگار من.

جبرئیل چه کسی کاروان را به سوی تو فرستاد (تا تو را از چاه نجات دهند)؟
یوسف گفت: خدای من.

جبرئیل کی آن سنگ را (که دنبال تو در چاه انداختند) از تو دور کرد؟
یوسف گفت: پروردگار من.

جبرئیل کی تو را از چاه بیرون آورد.
یوسف گفت: خدای من.

جبرئیل کی شرّ زنان را از تو دور کرد؟
یوسف گفت: خدای من.

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۶.

جبرئیل گفت: خدای تو می‌گوید: **مَا دَعَاكَ إِلَىٰ أَنْ تُنَزِّلَ حَاجَتَكَ بِمَخْلُوقٍ دُونِي الْبَثِ فِي السَّجْنِ بِمَا قُلْتَ بِضَعِ سِنِينَ**؛ چه سبب شد که حاجت خود را به نزد مخلوقی بردی و پیش من نیاوردی؟ به کیفر این حرفی که زدی (از دیگران درخواست کردی) چند مدت دیگر در زندان بمان.^۱

حضرت یوسف در زندان به هم زندانی خود که در حال آزاد شدن از زندان بودن گفت: نزد پادشاه که رسیدی ما را هم سفارش کن؛ و این‌گونه درخواست از غیر خدا کرد.^۲

امید چاق است؟

امام صادق علیه السلام: در زمان حضرت موسی بن عمران دو مرد زندانی بودند و آزاد شدند، که یکی از آن‌ها چاق و درشت‌هیکل و دیگری لاغر بود و مانند حشره‌ای کوچک گردیده بود. موسی بن عمران به شخص چاق گفت: این سر حال بودن بدنت را از چه می‌بینم؟

گفت: **«حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ»** از خوش‌گمانی به خدا و به دیگری گفت: این بدحالی را در بدنت از چه می‌بینم؟ گفت: **«الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ»** از ترس خدا. موسی بن عمران دستش را به سوی خدا بلند کرد

و گفت: **يَا رَبِّ قَدْ سَمِعْتَ مَقَالَتَهُمَا فَأَعْلِمْنِي أَيُّهُمَا أَوْلَىٰ فَأَوْحَىٰ اللَّهُ إِلَيْهِ صَاحِبُ حُسْنِ الظَّنِّ؛**

۱. تسلیة المُجَالِسِ وَزِينة المَجَالِسِ، ج ۱، ص ۹۱.

۲. داستان آن در سوره یوسف/۴۲.

پروردگارا! شنیدی قول این دو را اینک آگاهم کن کدامیک افضل است؟ خداوند به او وحی کرد که: آنکه به من خوش گمان است برتر است.^۱ خوش گمان ها و خوش فکرها، نزد خدا محبوب تر اند.

عابدترین مرد زمین

حضرت یونس علیه السلام به جبرئیل گفت: عابدترین مردم روی زمین را به من نشان بده. جبرئیل او را نزد مردی برد که دست و پایش به خاطر بیماری جذام قطع شده و چشم و گوشش نیز از کار افتاده بود؛ با این حال به خدا می گفت: چندان که خواستی مرا از اعضای بدنم برخوردار کردی و آن زمان که خواستی، آن ها را از من ستاندی؛ اما امید مرا نسبت به خودت در من باقی گذاشتی. ای پیوسته نیکوکار و ای بسیار عطا و بخشش کننده.^۲ هنرمند واقعی کسی است که امیدش را در سختی ها نگه دارد.

از این ستون به آن ستون فرج است.

هیچ وقت نباید ناامید شد. حتی لحظه ای کوتاه می تواند همه چیز را تغییر دهد. دل نگران و مضطرب مباش. دنیا را چه دیده ای؟! از این ستون به آن ستون فرج است.^۳

۱. مشکاه الانوار، ص ۳۶.

۲. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۵۳.

۳. فوت کوزه گری، ج ۱، ص ۹۰.

مردی در سفر راهش را گم کرده بود. به کاروانسرای رسید. از قضا آن کاروانسرا محل دزدان بود آنان مرد بیچاره را گرفتند، مال و اموالش را غارت کردند و خودش را به ستونی بستند تا تیر بارانش کنند. مرد که از زنده ماندن و فرار ناامید شده بود گفت خواهشی دارم.

گفتند: بگو.

گفت: مرا از این ستون بازکنید و به ستونی دیگر ببندید!

دزدها فهقه سر دادند و پرسیدند چه فرقی بین این ستون و آن ستون است؟

مرد گفت: از این ستون به آن ستون فرج است.

او را باز کردند و به ستونی دیگر بستند. در همین موقع مأمورانی که در پی یافتن دزدها بودند به کاروانسرا رسیدند و بدین ترتیب دزدان دستگیر و مرد آزاد شد.^۱

لازمه امید، صبر و حوصله است.

کس نخازد پشت من، جز ناخن انگشت من.

خودت باید آستین همت را بالا بزنی و کارهایت را انجام دهی، زیرا کسی کمک نمی‌کند (یا نمی‌تواند کمک کند)؛ و تنها امیدت به خداوند باشد و به امید دیگران نشستن خواب و خیال است؛ و با بازوی و هنر خودت کارهایت را سرسامان بده.

دو بلدرچین در کشتزاری آشیانه داشتند. روزی پرنده‌ی مادر آشیانه را به جوجه‌ی خویش که به‌تازگی پریدن آموخته بود سپرد تا بر بام خانه‌ی صاحب‌ملک بنشیند و از چگونگی آبیاری کشتزار آگاه شود. پرنده خبر آورد که صاحب کشت

^۱. فوت کوزه‌گری، ج ۱، ص ۹۰.

گرفتار است و یکی از همسایگان را مأمور آبیاری کرده است. بلدربچین مادر خطاب به فرزندش گفت «آسوده بخواب، آشیانه‌ی ما در امان است زیرا کسی برای آبیاری گامی بر نخواهد داشت.»

روز بعد، باز هم پرنده برای خبرگیری بر بام خانه‌ی مالک زمین نشست و این کار یک هفته تکرار شد و هر مرتبه شنید که کشاورز از دوستان و بستگان و همسایگان چپ و راست خود تقاضای کمک می‌کند اما همه بهانه می‌تراشند و عذرخواهی می‌کنند. روز هشتم قاصد خبر آورد که کشاورز نگران تباه شدن محصول خویش است و به خانواده‌اش گفته است که فردا، خود برای آبیاری کمر همت خواهد بست. بلدربچین مادر به فرزند خویش گفت: همین امروز از اینجا خواهیم رفت زیرا کشاورز از کمک دیگران نومید شده و خود تصمیم به انجام کار گرفته است.

کارت را خودت انجام بده به کسی دیگری واگذار نکن.

سیبی را که به هوا بیندازی تا برگردد، هزار چرخ می‌خورد.

همه چیز در حال دگرگونی است و سرنوشت کسی را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. از این‌رو باید به آینده امید داشت تا روی خوش دگرگونی و تغییر به انسان رو کند. «متوکل» از خلفای عباسی مردی ستم‌گر بود. در زمان متوکل، ستم و آزار بر مسلمانان و تمام مردم به نهایت رسیده بود؛ و زندان‌ها پر از مردم بی‌گناه بود. در میان زندانیان جوان خوش‌سیمایی بود که جوانی او، دل فرمانده جلادان را به رحم آورد. او به آن جوان گفت: من دلم نمی‌آید تو را بکشم؛ اما دستور امیر است

و چاره‌ای نیست؛ ولی اگر خواسته‌ای داری، بگو تا در این لحظه‌های آخر آن را برآورده کنم.

جوان لقمه‌ای نان خواست تا رفع گرسنگی کند برایش آوردند و جوان با آرامش مشغول خوردن شد که همگی تعجب کردند.

فرمانده گفت: از کار تو سر در نمی‌آورم. چنان با خونسردی مشغول خوردن هستی که انگار سالیان دراز زنده خواهی ماند. جوان با خونسردی درحالی که یک دستش در ظرف غذا بود با دست دیگر سیبی را برداشت و گفت نگاه کن تا این سیب به هوا برود و برگردد هزارچرخ می‌خورد خدا داناست و توانا است شاید در این مدت هم اتفاقی بیفتد.

او این را گفت، سیب را به هوا انداخت و دوباره مشغول خوردن شد. هنوز سیب به زمین نرسیده بود که عده‌ای سوار، هراسان به میدان کشتار آمدند و فریاد زدند دست نگه‌دارید متوکل را کشتند! بدین ترتیب آن جوان بی‌گناه از مرگ نجات یافت.^۱

خدا سبب ساز است. کافی است اندکی صبر و امید داشته باشیم.

اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد.

آدمی باید به خدا توکل کند و امید داشته باشد چراکه او روزی‌رسان است. پادشاهی بود به نام اکبر. او افراد چاپلوس را خیلی دوست داشت. کاری می‌کرد که همه از او تعریف کنند. پشت در قصر او دو گدای کور بودند که هرروز صدقه‌ای از اکبر می‌گرفتند؛ و روزگارشان را می‌گذراندند. یکی از دو گدا برای

^۱. فوت کوزه‌گری، ج ۲، ص ۶۶۵.

این که اکبر شاه خوشش بیایید، همیشه می‌گفت: «اکبر بدهد» اما گدای دیگر می‌گفت: «اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد».

اکبرشان تصمیم گرفت گدای دوم را تنبیه کند. مرغ بریانی را برای گدای اولی فرستاد و توی آن هم چند سکه طلا گذاشت. گدا، خوشحال شد و با صدای بلند فریاد زد «دیدم اکبر بدهد!».

گدای دومی هیچ ناراحت نشد. گدای اولی دلش نیامد هدیه اکبر را بخورد، آن را به قیمت ارزانی به گدای دومی فروخت. او هم مرغ را به خانه برد و با زن و بچه‌اش خورد و به سکه‌های طلا هم رسید.

فردا اکبر شاه به دیدن گداها رفت و دید گدای اولی همچنان می‌گوید «اکبر بدهد» اما گدای دومی خوشحال است و فریاد می‌زند «خدای اکبر بدهد» وقتی ماجرای مرغ را فهمید، به خودش آمد و گفت: «گدای دومی که چاپلوس نیست راست می‌گوید واقعاً اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد. من به او چیزی ندادم، ولی آنچه را که برای چاپلوس فرستاده بودم، خدا به دست گدای دوم می‌رساند».^۱

نیمه‌ی اول عمر

در بنی اسرائیل، مرد نیکی بود که همسری نیک داشت. در خواب دید که به او می‌گویند: «خداوند برایت فلان مقدار عمر قرار داده است و نیمی از عمر تو در گشایش و نیم دیگر را در تنگی گذارده است. برای خودت نیمه‌ی اول یا نیمه‌ی دیگر را انتخاب کن».

^۱. فوت کوزه‌گری، ج ۱، ص ۱۳۸.

آن مرد گفت: من همسر نیکوکاری دارم که شریک زندگی من است. با او مشورت می‌کنم و وقتی برمی‌گردی، خبرت می‌دهم. صبح که شد، آن مرد به همسرش گفت: در خواب، چنین دیدم. زنش گفت: فلانی! نیمه‌ی اول را برگزین و در انتخاب عافیت بشتاب؛ باشد که خداوند بر ما ترحم کند و نعمت را بر ما کامل سازد. شب دوم که شد، آن که به خواب مرد آمده بود، آمد و گفت: «چه برگزیدی؟».

گفت: نیمه‌ی اول را برگزیدم. گفت: باشد؛ خواسته‌ات پذیرفته است». چون نیمه‌ی از عمر {مرد} گذشت و از اندازه آن وقت، بیشتر سپری شد، او همان مردی را که در خواب دیده بود، دید و آن مرد به او گفت: «خدای متعال، کار تو را سپاس گفت و همه‌ی عمرت را مثل گذشته در گشایش قرارداد».^۱

بهترین جایگزین

روزی پیامبر ﷺ فرمود هرکسی به مصیبتی گرفتار شود و همان طور که خدا فرمود «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگوید و بعد بگوید «خدایا! مرا از این مصیبت نجات بده و جایگزین بهتری از آنچه از دست داده‌ام جایگزین کن» خدا در حق او چنین خواهد کرد. وقتی ابوسلمه (شوهر ام سلمه) از دنیا رفت. ام سلمه همان جمله را تکرار و از خدا خواست که جایگزین بهتری برای ام سلمه نصیبش شود. البته با خودش گفت: «دیگه کجا مثل ابوسلمه پیدا می‌شود؟» خدا هم

۱. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۶۲، ح ۶.

پیامبر ﷺ را نصیب ام سلمه کرد؛ و وی چند ماه پس از مرگ شوهرش به همسری پیامبر ﷺ درآمد.^۱

درست است که گاهی بهترین را از دست می دهیم. ولی باید از خدا خواست تا بهترین از آن را نصیبمان کند. و هر کس از خدا خواست، خدا نیز درخواستش را بی پاسخ نمی گذارد.

امید حتی از اعماق جهنم

در روز قیامت، بنده‌ی گناهکاری را می آورند و خدا از او می پرسد «آیا من تو را به طاعت خودم فرمان ندادم و آیا تو را از معصیت خود باز نداشتم؟» آن بنده می گوید «چرا ای پروردگار من! ولی شهوت بر من چیره شده. حال اگر عذابم کنی به خاطر گناهان خود من است و تو بر من ستم نکرده‌ای». خدا فرمان می دهد که او را به دوزخ ببرند. آن بنده می گوید «خدایا، من چنین گمانی درباره‌ی تو نداشتم» خدا می فرماید «تو درباره من چه گمان می کردی؟» وی می گوید «گمان من به تو بهترین گمان بود» در این هنگام خدا فرمان می دهد که او را به بهشت ببرند و به آن بنده می فرماید «خوش گمانی تو به من، اینک به حالت سود بخشید».^۲

^۱. همان، ج ۴۷، ص ۵۸.

^۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۸۸.

امیدوار به آنچه امیدی نیست

موسی بن عمران علیه السلام رفت که برای خانواده اش آتش برگیرد، ولی (در آنجا) خداوند عزوجل با او به سخن درآمد و سپس در کسوت (لباس) پیامبر بازگشت. ملکه سبا نیز از کشور خود بیرون آمد، ولی با سلیمان مسلمان شد. جادوگران فرعون برای تقویت قدرت فرعون بیرون آمدند ولی مؤمن برگشتند.^۱ پروردگار مهربان دوست دارد رزق و روزی بندگان را از راه‌های که گمان و حدس نمی‌زنند برساند. آنچه مهم و ضروری است امید داشتن به اینکه همیشه کسی هست که نگاهش به ما است و همواره دست‌گیر و همیار ما در فراز و نشیب زندگی است.

حضرت موسی در بیابان سینا رفت برای خانواده اش آتش (برای گرم شدن، پخت و پز) بیاورد که پیامبر خدا شد.^۲

ملکه سبا (پادشاه سرزمین سبا، بلقیس) برای آزمودن نزد سلیمان رفت که مسلمان شد.^۳

جادوگران برای پشتیبانی از فرعون و در مقابل حضرت موسی علیه السلام سحر و جادو می‌کردند ولی مومن شدند.^۴

۱. الکافی، ج ۵، ص ۸۳.

۲. سوره مبارکه طه، ۹ تا ۱۳.

۳. سوره مبارکه نمل، ۲۰ تا ۴۴.

۴. سوره مبارکه اعراف، ۱۰۴ تا ۱۳۰.

امیدت برآورده شد

دو نفر از جهنمیان به شدت فریاد می‌آورند. و خدا می‌فرماید «آن دو را از جهنم بیرون آورید» چون بیرون آورده می‌شوند به آن‌ها می‌فرماید «برای چه چیزی فریاد سختی برآوردید؟» می‌گویند «چنین کردیم تا بر ما رحم آوری»

خدا می‌فرماید «رحم من بر شما این است که بروید و خود را در هر جای آتش که بودید بیندازید آن دو می‌روند و یکی از آن‌ها خود را در آتش می‌اندازد و خدا آن مکان را برای او سرد و بی‌گزند می‌کند؛ ولی دیگر می‌ایستد و خود را نمی‌اندازد. خدا می‌فرماید «چرا تو مانند دوستت خود را نیفکندی؟» می‌گوید «پروردگار! امیدم این بود بعد از بیرون آوردنم دیگر مرا به آن بازنگردانی» خدا می‌فرماید «امیدت برآورده شد» پس هر دو به لطف و رحمت خدا، وارد بهشت می‌شوند.^۱

خوش‌گمانی به خدا

رسول خدا ﷺ فرمودند: آخرین کسی را که دستور داده می‌شود به سوی دوزخ ببرند، ناگهان به پشت سر خود نگاه می‌کند. خداوند دستور می‌دهد او را برگردانند، پس او را برمی‌گردانند. خدا می‌فرماید: چرا به پشت سر خود نگاه کردی و در انتظار چه هستی؟ می‌گویند: «پروردگارا! من درباره‌ی تو این چنین گمان نمی‌کردم».

خدا می‌فرماید: «چه گمان می‌کردی؟» می‌گوید «گمانم این بود که گناهان مرا می‌بخشی و مرا در بهشت خود جای می‌دهی!»

۱. بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۵۹۶.

خداوند می‌فرماید: ای فرشتگان من! به عزت و جلال و نعمت‌ها و مقام والايم سوگند، بنده‌ام هرگز گمان خیر درباره‌ی من نبرده است، اگر ساعتی گمان خیر برده بود، او را به جهنم نمی‌فرستادم، گرچه دروغ می‌گوید؛ ولی بااین حال اظهار حسن ظن او را بپذیرید و او را به بهشت ببرید.^۱

خدا عاشق خُوش گمان‌ها و خُوش فکرهاست.

امید و نشاط کار

روزی حضرت عیسی علیه السلام پیرمردی را دید که مشغول شُخم زدن زمین بود، حضرت دست به دعا بلند کرد و گفت؛ بارالها امید را از دل او بیرون ببر. در این لحظه پیرمرد دست از کار کشید. حضرت دوباره دعا کرد. بارالها او را با امیدواری پشت گرم فرما. عیسی دید که پیرمرد دوباره مشغول کار شد.

حضرت عیسی علیه السلام نزد پیرمرد رفت و از او علت کارش را پرسید؛ پیرمرد گفت؛ مشغول کار بودم که ناگاه به خودم گفتم؛ «تو به سن پیری رسیدی، دیگر نباید کارکنی» پس بیل را به زمین انداختم و دراز کشیدم.

اما لحظه‌ای بعد با خودم گفتم؛ به خدا سوگند تو تا زنده‌ای باید کسب‌وکار داشته باشی، پس برخاستم و دوباره بیل را به دست گرفتم و کارکردم.^۲

^۱. به نقل از دایره المعارف سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام، غلامرضا حیدری ابهری، قدیانی،

تهران، ۱۳۹۷.

^۲. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۹.

امید دروغین

به امام صادق علیه السلام گفتند: «عده‌ای معصیت می‌کنند و می‌گویند «که ما { به لطف خدا} امیدواریم و روش اینان تا زمان مرگ چنین است» امام فرمود «اینان کسانی اند که در وادی آرزوها، به این سو و آن سو می‌روند. دروغ می‌گویند هر کس به چیزی امید داشته باشد آن را می‌طلبد و هر کس از چیزی بترسد از آن می‌گریزد».^۱

امید بدون عمل دروغ است. کسی که امید دارد همت و تلاش نیز دارد.

وسوسه ناامیدی دام شیطان

پیرمردی از اهل عراق خدمت امام صادق علیه السلام بود و با ایشان سخن می‌گفت: امام به وی فرمود: «چرا حرف زدنت غیرعادی است» او گفت: «دندان‌های جلویی ام افتاده و نمی‌توانم سخن بگویم» امام فرمود: «من نیز بعضی از دندان‌هایم افتاده است و گاهی شیطان مرا وسوسه می‌کند که اگر بقیه دندان‌هایم هم بریزد به چه وسیله‌ای غذا می‌خوری؟» پس من می‌گویم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».^۲ از کارهای شیطان وسوسه و کش و قوس دادن به افکار منفی است. بهترین راه جلوگیری از وسوسه‌های شیطانی و منفی پناه بردن به خدا و از او کمک خواستن است و اینکه بدانیم هیچ قدرت و نیروی جایگزین قدرت الهی نیست. کار

^۱ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۵. به نقل از دایره المعارف سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام، غلامرضا حیدری ابهری، قدیانی، تهران، ۱۳۹۷.
^۲. همان، ج ۶۶، ص ۸۸.

شیطان تلقین نیروهای منفی است. و با امید به خدا می توان شاخ شیطان را شکست.

خیر است ان شاءالله!

میان بنی اسرائیل، خانواده‌ای در بیابان زندگی می کردند. آن‌ها (علاوه بر چند گوسفند) یک خروس و یک الاغ و یک سگ داشتند. خروس، آن‌ها را برای نماز بیدار می کرد، الاغ، وسایل زندگی شان را حمل می کرد و سگ نیز در آن بیابان، به خصوص در شب، آن‌ها را از درندگان حفظ می کرد.

اتفاقاً روباهی آمد و خروس آن‌ها را خورد. افراد آن خانواده، محزون و ناراحت شدند، ولی مرد آن‌ها که شخص صالحی بود گفت: خیر است ان شاء الله.

پس از چند روزی سگ آن‌ها مُرد، باز آن‌ها ناراحت شدند، ولی مرد خانواده گفت: خیر است ان شاء الله. طولی نکشید که گرگی به الاغ آن‌ها حمله کرد و آن را درید و از بین برد. باز آن مرد گفت: خیر است ان شاء الله.

در همین ایام، روزی صبح از خواب بیدار شدند، دیدند همه‌ی چادرنشین‌های اطراف مورد دست برد و غارت دشمن واقع شده و خود آن‌ها نیز به صورت برده به اسارت دشمن درآمده‌اند.

مرد صالح گفت: راز این که ما باقی مانده ایم این بوده که چادرنشین‌های دیگر دارای سگ و خروس و الاغ بوده‌اند و به خاطر سروصدای آن‌ها شناخته شده‌اند و به اسارت دشمن درآمده‌اند.

ولی ما چون سگ و خروس و الاغ نداشتیم، شناخته نشده ایم، پس خیر ما در
هلاکت سگ و خروس و الاغمان بوده است که سالم مانده ایم.^۱
نباید شتاب زده قضاوت و گمان کرد. کارهای خداوند بی حکمت نیست. شاید
الان برای ما روشن نباشد ولی با صبر، حکمت آن آشکار می شود.

^۱. مَحَجَّه البیضاء، ج، ص ۹۲.

کتاب‌های که در زندان نوشته شد (حبسیه)

از بهترین و به یادگارترین کتاب‌ها، کتاب‌های است که در زندان و در اوج سختی و نبود امکانات نوشته شده است.

از جمله آن‌ها:

۱. پایی که جا ماند، سید ناصر حسینی پور.
۲. پرتویی از قرآن (جلد اول)، سید محمود طالقانی.
۳. تاریخ فلسفه غرب، نجف دریابندی.
۴. تفسیر راهنما، علی اکبر هاشمی رفسنجانی.
۵. خاقانی، شاعر دوره سلجوقی.
۶. شوهر آهو خانم، علی محمد افغانی.
۷. عین القضاة، فیلسوف و عارف، قرن ۵/۶.

۸. اللّمعنه الدمشقیه، محمد بن مکی، معروف به شهید اول.
۹. محمد خزئلی، ۳۹ کتاب نوشته است. از جمله: احکام قرآن، شرح گلستان و شرح بوستان، دستور زبان جاویدان، نهج الادب...
 ۱۰. مسعود سعد سلمان، شاعر دوران غزنوی.
 ۱۱. ورق پاره‌های زندان، سید مجتبی، آقابرگ علوی.
 ۱۲. هنر داستان نویسی، ابراهیم یونسی.

شُکر که این نامه به‌عنوان رسید
پیشتر از عمر به پایان رسید
(نظامی)

کتاب‌نامه

۱. امید و رسانه، سید مجید امامی، حسین مهربانی فر، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، قم، ۱۳۹۲.
۲. دایره المعارف سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام، حیدری ابهری، غلامرضا، قدیانی، تهران، ۱۳۹۷.
۳. فرهنگ ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه، رحیمی نیا، مصطفی، گلپا، تهران، ۱۳۸۷.
۴. فوت کوزه‌گری، رحماندوست، مصطفی، انتشارت مدرسه، تهران، ۱۳۸۶.
۵. نان و نمک، حیدری ابهری، غلامرضا، محراب قلم، تهران، ۱۳۹۰.
۶. نان و خرما، پوریزدی، رحمت، عهد مانا، تهران، ۱۳۹۸.
۷. ماه و آب، مثل‌های فارسی در آینه حدیث، موسوی، سید محسن، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳.